بنام خدا

اُمید

در امریکا نسخه $1.50

هفته نامهٔ مردم افغانستان

شمارهٔ ۹۸۳

شمارهٔ نهم /سال بیست وسوم/ چهارشنبه ۱۶ میزان ۱۳۹۳ / ۱۵ذیحجه ۱۴۳۵ / ۸ نومبر ۲۰۱۴/ شمارهٔ مسلسل ۹۸۳

بیمهٔ استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®

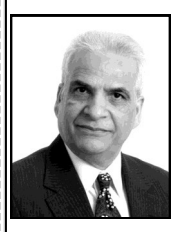

For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی ، افضل ناصری

خانه، موتر، صحت
حیات، تجارت

STATE FARM INSURANCE

افغان مینی مارکیت عرضه کنندهٔ انواع مواد خوراکهٔ وطنی

یگانه مغازهٔ افغانی درمنطقهٔ واشنگتن بزرگ
که تازه ترین موادخوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد ازافغانستان، وگوشهای تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسبت تقدیم میکند
ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با
Western Union
6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

گـــهِ احـــرام روز عـــید قـربان — سخن می گفت با خود کعبه این سان
که مـــن مـــرآت نـــور ذوالجلالم — عـــروس پـــردهٔ بـــزم وصـالم
مرا دست خلیـــل الله بر افـــراشت — خـــداوند عـــزیزم نامـــور داشت
نباشـــد هیـــچ انـدر خطهٔ خاک — مـــکانی هم چو من فرخنده و پاک
چو بزم من، بساط روشـــنی نیست — چون ملک من ، سرای ایمنی نیست

شادروان بانو پروین اعتصامی

حبیب استالف و پنج جنایتکار دیگر اعدام شدند

۸ نومبر/کابل ـ خبرگزاری بخدی :دولت پنج عامل حادثه پغمان و حبیب استالف، سردسته آدم ربایان رادرزندان پل چرخی کابل اعدام کرد. آنان علاوه برگرفتن پول و زیورات آلات زنان، برچهار زن ازجمله یک زن حامله تجاوز جنسی کردند.رحمت الله نظری، معاون دادستانی کل میگویداعدام این شش نفر که نخست ازحبیب استالف شروع شد، ساعت سه بعد ازظهرامروز پایان یافت. قبلاً ۶ تابوت و۶ ریسمان برای اعدام آنان به زندان آورده شده بود. نظری افزود: به زودی تصاویر معدومین در دسترس رسانه ها قرار خواهد گرفت

پیشتر، داگاه عالی ازمجموع ۸ متهم قضیه پغمان، پنج تن آنانرا مجرم شناخت وآنهارابه اشد مجازات محکوم کرد. کرزی بلافاصله این حکم راتوشیح کرد و روز گذشته (سه شنبه) مقامات دادگاه عالی گفتند که به روز چهارشنبه این حکم اجرا می شود.

مردان مسلح ملبس بایونیفورم پلیس دراوایل ماه سنبله (حدودیکماه پیش) در منطقه موسوم به قوریه جاپانی ها از درولسوالی پغمان در تاریکی شب چهار موترمردم راکه ازمحفل عروسی درحال بازگشت به خانه هایشان بودندمتوقف کرده و سرنشینان آنرا به یک باغ انتقال دادند. آنان باگرفتن پول وزیورات، و تجاوز بر چهارزن، فرارکردند.پلیس کابل سپس، درعملیاتی پنج نفرایشان را باز داشت کرد و دونفر دیگر از ولایت غزنی گرفتار و به کابل انتقال داده شدند.

پرونده سرقت وتجاوز به زنان درپغمان، نخست ازسوی دادستانی کل بررسی شده وپرونده را به دادگاه ابتدایی کابل فرستاد. دادگاه ابتدایی نیزدرجلسه علنی با بررسی پرونده، تمامی هفت متهم را به اعدام محکوم کرد. دادگاه استیناف کابل پس ازآن درجلسه علنی با شنود دفاعیه متهمان وبررسی پرونده آنها، پنج متهم رابه اشد مجازات (اعدام) محکوم کرد.

درهمین حال، سازمان عفویین الملل وسازمان نظارت ازحقوق بشر، از احمد زی، بدلیل آنچه این دو سازمان فساد گسترده در نظام قضایی افغانستان میخوانند، خواسته که دستور لغواجرای حکم اعدام این افراد را صادر کند. این دوسازمان میگویندجریان محاکمه متهمان خالیگاه ها و نواقص زیاد داردکه باید مورد بازنگری و بررسی مجدد قرار گیرد. سازمان نظارت از حقوق بشر موسوم به هیومن رایتس، گفته است: (درعهدنامه های بین المللی حقوق بشر که افغانستان آنهارا امضاکرده است، جزای مرگ تنهابرای جنایات بسیارجدی وظالمانهء که مراحل محکمه آنهاهم باتمام معیارهای عدلی بین المللی مطابق باشد، جایز شناخته شده است.)

جوانی ۶ عضو خانواده اش را کُشت

۱۸اکتوبر/ارزگان ـ بخدی : دوست محمد نایاب، سخنگوی والی ارزگان گفت: جوانی درشهر ترینکوت مرکزولایت ارزگان، شش عضو خانواده اش را به ضرب گلوله به قتل رسانده و دو تن دیگر را زخمی کرده است.) رویداد امروز (چهارشنبه) رخداده است. قربانیان پدر، مادر، خواهر، و سه برادراین پسر جوان هستند. تحقیقات ابتدایی پلیس نشان میدهد که مشکلات خانوادگی، باعث بروز این حادثه شده است اما او تاکید کرد که تحقیقات همچنان ادامه دارد. پس ازاینکه پلیسها به محل حادثه رسیدند، قاتل باتفنگچه دست داشته اش با ماموران درگیر شد. مهاجم در جریان درگیری با پلیس از پا درآمد.

شب گذشته، درولسوالی انجیل هرات نیزیک پسر، مادراندرجوانش را کشت و فرار کرد. هنوزعلت این حادثه معلوم نیست وپلیس درجستجوی قاتل هستند.خشونتهای خانواده درسالهای اخیردرکشور افزایش یافته است.منابع رسمی خبردادندکه بیشتر خشونتهاعلیه زنان ازسوی اعضای خانواده صورت می گیرد که شامل پدر، برادر، کاکا و ماما هستند .

هشدار به نسبت فروریختن منار جام

۱۷اکتوبر/فیروزکوه ـ تلوزیون نور: سیدانور رحمتی سرپرست ولایت غور در فیسبوک خود نوشت: ازاثرطغیان آب دریای هریرود و سرازیر شدن سیلابهای موسمی، منارجام کج شده، ونیز خسارات جدی در بدنه بیرونی ونمای داخلی آن به چشم میخورد واحتمال فروریختن این بنای تاریخی خیلی زیادشده است. رحمتی ازرئیس جمهور خواست برای نجات این بنای تاریخی از فرو ریختن توجه کند. وی افزوده اگر برای آب خیزیهای سال بعدکاراساسی صورت نگیرد، خسارات جبران ناپذیری به وجود خواهد آمد.

حملات انتحاری ۷ شهید و۱۵ زخمی بجاگذاشت

اول اکتوبر/کابل ـ تلویزیون نور:حوالی ساعت ۲۰/۶صبح روز چهارشنبه در جوار لیسه غازی ، یک حمله کننده انتحاری که پیاده روان بود، موترحامل مسنوبان وزارت دفاع ملی را هدف قرار دادوطی آن ۶ منسوب ارتش ملی شهید شدند و۸ نفر آنان زخم برداشتند. جنرال فرید افضلی رئیس جنایی فرماندهی پلیس کابل میگوید درین رویدادیک غیر نظامی شهید شد و یک غیر نظامی زخم برداشت.

آنچه از سیزده سال جنایت روایی کرزی بجا ماند

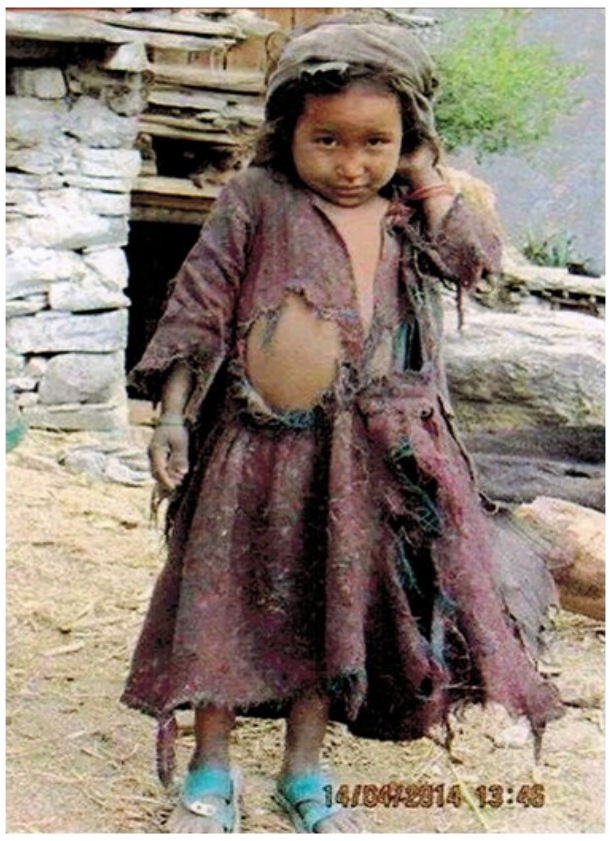

(حال واحوال یک دخترک افغان، درختم حکمروایی کرزی، وپس از۳۲تا ۴۳ بلیون دالر کمکهای خارجی برای مردم کشور) شرح درمقالهٔ پروفیسرهادی

پیمان امنیتی باامریکا و قرارداد نظامی با ناتو شد

۳۰سپتمبر/کابل ـ تلویزیون نور: روزدوشنبه، مطابق وعده، ۲۸ ساعت پس از مراسم تحلیف، همزمان دوپیمان امنیتی در کاخ ریاست جمهوری امضا شد، اما باآنهمه هیاهویی که برای امضای این قراردادشده بود، امضاکنندگان، مقامات درجه اول دوطرف نبودند.قراردادامنیتی باامریکارا حنیف اتمرکه دوشنبه شب بعنوان مشاور امنیت ملی گماشته شد، به نمایندگی ازافغانستان وازجانب امریکا جیمز کننگهام سفیرآن کشور در کابل امضاکردند. قرارداد همکاری های نظامی میان ناتو وافغانستان رانیزحنیف اتمر و موریس یوخیمز امضا کردند. احمدزی امضای قراردادهارابرای ثبات کشور و منطقه مهم خواند وگفت این قرارداد توسط دولت افغانستان جدی مطالعه شده و امضای آن سبب گسترش همکاری های بین المللی به این کشور خواهد شد.

داکترعبدالله رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی امضای قرارداد امنیتی با امریکاوناتو راموثردانست وگفت امضای این قرارداد هیچ پیامدمنفی به کشور های همسایه نخواهد داشت. کننگهام سفیرامریکا در کابل گفت قرارداد امنیتی تضمین خوبی است برای دوام کمکهای امریکابه افغانستان. امضای قرارداد دو جانبه امنیتی بین امریکا و افغانستان باعث تحکیم تعهد بیشترهمکاری های دوجانبه و مشارکت بین ایالات متحده و دولت افغانستان خواهد بود. سندی که امضا شده، بسیار مهم و برای هر دو کشور مفید واقع خواهد شد. دولت امریکا به روابطش با افغانستان زیاد ارزش قایل است وازین لحاظ این کشوربرای کار در راستای آینده بهترافغانستان متعهد است .

تمام والیان سرپرست ولایات شدند

۳اکتوبر/کابل ـ بی بی سی: احمدزی باصدورفرمانی اعلام کرد والیان ۳۴ ولایت بعدازین بعنوان سرپرست به کارخود ادامه دهند وباصدوراین فرمان، آنان حق گماشتن افرادوبرکناری آنان را ازپستهای دولتی ندارند.این فرمان به تاسی ازحکم فقره ۲۳، ماده ۶۴قانون اساسی به منظور جلوگیری از اختلال در اجرای امورولایات صادرشده است. عطامحمدنور، والی بلخ وازرقیبان سرسخت احمدزی دردوران مبارزات انتخابات ریاست جمهوری قبلا درمصاحبه باصدای امریکا اعلام کرده بود «غنی احمدزی، رئیس جمهور منتخب نیست بلکه بر اساس یک توافق سیاسی به این سمت رسیده است.»او دیروز در دیدار با احمدزی گفت:«کشورما دریک مرحلهٔ نوین تاریخ خویش قرار دارد و حکومت وحدت ملی هرتصمیمی راکه درتعیین ویا تبدیل والی‌هابرای بهبود حکومتداری در افغانستان اتخاذ نماید، از آن حمایت خواهم کرد.»

میدان هوایی کابل بنام کرزی می شود !

۱۳اکتوبر/کابل ـ بی بی سی:دیروزاولین جلسه کابینه بعد ازسوگندرئیس جمهور جدید برگزارشدوتصمیم گرفته شد تا فرودگاه کابل بنام حامدکرزی نامگذاری شود. علاوه برآن تصمیم گرفته شدخانه‌ایکه اکنون کرزی درآن سکونت دارد، به دلیل اینکه او درشهر کابل مسکنی ندارد، ازطرف حکومت به وی هدیه شود. براساس تصمیم کابینه، فهرست تمام قراردادهاییکه وزارتخانه‌ها با شرکتها ونهاد های خصوصی تاکنون منعقد کرده باید برای بررسی رئیس جمهوربه دفتر وی سپرده شود.به وزارتخانه‌ها وظیفه سپرده شدتا ۱۵روزآینده، گزارش وضعیت استخدام کارمندان غیرنظامی، پستهای سیاسی وکارکنان قراردادی‌شان را به تفکیک جنسیت، درجه تحصیل، مدت خدمت وسن آماده نموده به دفتر ریاست جمهوری ارائه نمایند.

چندروز قبل احمدزی تمام وزیران کابینه را نیز سرپرست ساخت و به این ترتیب، آنان حق ندارند که اقدام به نصب و عزل کارمندانش نمایند.

قوماندان امنیه کابل: اینجا جنگل نیست

۱۷اکتوبر/کابل ـ کوکچه: قوماندان امنیه کابل درنشست خبری گفت برخی از زورمندان مشکلات جدی رابرای شهروندان به وجود آورده وبرای رفع این مشکلات به حمایت مردمی ودولتی نیازمندیم. جنرال ظاهرظاهر تاکید کردکه ازفردا شروع به جمع آوری موترهای فلم دارمیکنیم.این گونه موترهافقط از افرادزورمند وبلندپایه دولتی هستندکه مشکلات زیادی برای شهروندان به وجود آورده اند. اوتاکیدنمودکه اینجا جنگل نیست شهربرای همه است و همه بایدیکسان ازآن بهره ببرند، نه اینکه زورمندان باسوءاستفاده از موقعیت خود سرکهارابرمردم ببندندویاکسانیکه ازموترآنها سبقت گرفت رامورد لت وکوب قراردهند. برخی ازین زورمندان از مجرمین حمایت نموده و برای رهایی آنها تلاش می نمایند. کسی نبایدازموقعیت و رتبه خودسوء استفاده کند ودست به اعمال غیر قانونی بزند.همانگونه که ما دردوران کرزی حمایت میشدیم در دوره حکومت وحدت ملی نیزبایدحمایت شویم تابتوانیم با زورمندان مقابله نماییم.

قومانان امنیه کابل به دستگیری مجرمین باقی مانده حادثه پغمان اشاره کرد و گفت سه نفرازمجرمین هنوزمتواری هستندوموقعیت هرسه تحت کنترول است که یک نفربه خارج ازکشورگریخته و دو نفردیگر در مکانهای مزدحم پنهان شده اند که به زودی دستگیر خواهند شد .

جنرال ظاهرافزود پلیس کابل دستگیری عاملان قضیه کابل بانک را آغازکرده وپلیس خواهان مجازات جنایتکاران وقطع حمایت ازآنان می باشد تا تاثیرات مثبتی در راستای تامین امنیت به وجود آید.

ادارات پاکستان از طالبان حمایت میکند

۳۰ سپتمبر/کابل ـ باختر: کریس الکساندرسفیرسابق کانادا درکابل و وزیر امورمهاجرین و تابعیت کاناداکه روز گذشته بخاطراشتراک در مراسم تحلیف رئیس جمهورجدید افغانستان به کابل آمده، به رسانه ها گفت طالبان مسلح از حمایت گستردهٔ ادارات حکومتی پاکستان برخوردارندکه مداخلات پاکستان درامورداخلی افغانستان قابل قبول نبوده باید ازآن جلوگیری شود. او برحمایت و همکاریهای دوامدارکشورش با افغانستان تاکید کرده میگوید، کانادا در بخشهای تامین امنیت وتقویت اقتصادافغانستان باحکومت جدید همکاری میکند.

اما این مقام کانادایی افزود صلح وامنیت درافغانستان زمانی بوجود خواهد آمدکه ازحمایت طالبان بگونه جدی جلوگیری صورت گیرد. امنیت تازمانی درافغانستان تامین نخواهدشدکه ازحمایت گروه طالبان دست کشیده نشود، ما میخواهیم بارئیس جمهورجدید افغانستان کارکنیم تا راه حل منطقوی بدست آید وکشورهای همسایه افغانستان باید از همکاری با طالبان دست بکشند.

این نخستین باراست که یک مقام ارشد کانادایی به صورت واضح پاکستان را متهم به مداخله در امور افغانستان نموده و گفته است که اسلام آباد با حمایت از طالبان اهداف خاصی را درافغانستان دنبال میکند و مراکز طالبان درپاکستان موقعیت دارد.

امریکا ۶۲ چرخبال به افغانستان می دهد

۱۵اکتوبر/کابل ـ باختر: سخنگوی وزارت دفاع امریکا اعلام کرد۶۲ هلیکوپتردرآینده نزدیک دراختیار وزارت دفاع ملی افغانستان قرارمیدهد. افغانستان چندی پیش قرار داد امنیتی و دفاعی را باامریکا وسازمان ناتوامضا کرد. تقویت نیروهای امنیتی کشور با جنگ افزارهای مدرن هوایی ازجمله مسایلی اند که دولت بار ها با مقامات امریکایی وناتو مطرح کرده است.

هلاکت ۱۹ طالب درولایات پکتیا، پکتیکا وکنر

۱۷اکتوبر/کابل ـ باختر: وزارت داخله گفت: نیروهای پلیس فعالیتهای امنیتی رادرولایات پکتیکا، پکتیکا و کنرراه اندازی کردندکه درآن ۱۹طالب مسلح کشته وسه طالب زخمی شدند. پلیس ملی ۳ ماین را از ولایات قندهار وارزگان کشف وخنثی نمود وازوقوع چند حادثه تروریستی جلوگیری کردند .

WORLDWIDE TRAVEL INC.

CHEAP AIR FARES TO
KABUL
FROM ALL U.S. CITIES
DUBAI EUROPE PAKISTAN

MAJOR AIRLINES AND BEST CONNECTIONS
Emirates
TURKISH AIRLINES
TÜRK HAVA YOLLARI
Safi
Kam Air
flydubai
866 977 9015

PROTECT YOUR WORLD
AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT
AF Insurance Group
(703) 348-6247
Allstate
You're in good hands.
Auto Home Life Retirement
13044 Fair Lakes Shopping Center
Fairfax Virginia 22033
abdulfitrat@allstate.com
We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE, Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY. Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

محمد نعیم کبیر — سکرمنتو ـ کالیفورنیا

جایگاه تاجیکان در هرم قدرت سیاسی

(اگرواقعاً وحدت ملی میخواهیم، بایدنخبگان مابرای حل معضلهٔ زبان وهویتی یک جبههٔ متحدفرهنگی بسازند.) ثریا بها ـ خاوران

اگر ازهرتاجیکی سئوال شودکه سهم تاجیکها درقدرت سیاسی حکومت وحدت ملی چیست؟ شایداندکی مکث نمایند، آنگاه کلهٔ خود راشوردهند وآه سرد ازسینهٔ گرم برآرند وبگویند: هیچ !

درساختارحکومت وحدت ملی، جایگاه تاجیک ها نامشخص، محدود وغیر عادلانه است. این لایهٔ بسیارضخیم اجتماعی، باداشتن یک فرهنگ غنی، تاریخ درخشان درجهاد ومقاومت، طی سالهای پار وسالهای اخیر، بدبختانه، عمداً در ساختارحکومت وحدت ملی کنار گذاشته شده اند. تاجیکها بایک ارادهٔ بسیار قوی برای فرونشاندن بحرانها، بادادن قربانی های بیحساب، بحداقل اشتراک در قدرت سیاسی قناعت نموده، وزمینهٔ تاخت وتازوهجوم سیاسی، نظامی و فرهنگی پشتون هارافراهم نموده اند. باوجودیکه فهم ودرایت و پشتکار آنها در فرصتهای زیادی توسط حکومتهامورداستفاده قرار گرفته است، ولی درتشکیل حکومت وتقسیم قدرت سیاسی، بابر خوردخیرعادلانه مواجه بوده اند.

داکترعبدالله با اشتراک تباری واحمدضیا بحیث یک متمردمنفعتجو، هیچگاه نمیتواندااین خلاء را پر کند. انصراف داکترعبدالله ازموفقیت کامل درانتخابات، که مشروعیت حکومت اورامیتوانست مسجل سازد، وتردید وتذبذب او در بوجودآوردن یک حکومت متکی برآرای ملیونهاتاجیک وملیتهای دیگر، ثابت نمودکه درلحظات حساس تاریخ تاریخساز، نیمی ازافکارداکترعبدالله، بامدنیت تاجیک، که او را ازمعامله با رأی مردم برحذرمیداشت، همخوانی داشت؛ ونیمی دیگر، اورا به گرایشهای قبیلوی، پشتون تباری پیوند میداد. این اشتراک تباری، مانع اتخاذیک تصمیم قاطع وتاریخی درخیمهٔ لویه جرگه گردید. تاجیکها یک فرصت دیگربرای احرازحق سیاسی شان را بااعتمادبه نیم رخ کاندیدای مورد نظر شان، ازدست دادند.

حضوریک هزاره(رقیب سرسخت درجنگهای کابل)، ویک پشتون (عامل اصلی خرابیهای کابل) درتیم اصلاحات وهمگرایی ویک پشتون(معتقدو محصور در ارزشهای قبیلوی، یک ازبیک(بایک گذشتهٔ سراسرمخدوش ویک هزاره درتیم تحول وتداوم، بازهم تاجیک هاراقهراً به حاشیه راند ونگذاشت حکومت به اصطلاح وحدت ملی، ممثل تمام ملیتهای کشورباشد.

گرچه پشتونها، هزاره ها، ازبیک هابه یک موفقیت آنی ومؤقتی در تقسیم قدرت سیاسی دست یافتند، ولی تاجیکها، نورستانیها،ایماقها، بلوچها، باردیگر با دست خالی ازین معرکه، مانندهمیشه عقب نشینی تاریخی راقبول کردند. یک دولت وحدت ملی نمی تواندااین بخش مهم ملت رابه کنارزند، ودرعدم حضور آنها، ادعای موفقیت کند. پیروزی وحدت ملی وقتی محقق شده میتواند که تمام ملیتها به صورت عادلانه درمعادلات سیاسی ارزش خود رادریابند. هیچ بلوچ وتاجیک ونورستانی نباید نوکراجنبی خطاب شود، اگر ازحق شان دفاع نمایند. تعاملات قبیلوی وسنتی دوسدهٔ اخیرباقراردادن قدرت درانحصار یک قوم، هرحرکت مدنی برای تأمین حق وعدالت توسط اقوام دیگررا نوعی تمرد وتجزیه طلبی پنداشته، ومستوجب شدیدترین مجازات دانسته اند. این رسم نامیمون باید ازبسترسیاسی کشور رخت بربندد .

باآنکه تاجیکهادرغزوات متعدد برای دفاع ازاستقلال وناموس کشورسهم خود رابامسئولیت کامل ادانموده اند، ولی بار بار با قساوت وبیرحمی مورد تجاوز قوم خاصی قرارگرفته اند. تاریخ به صراحت ازکشتن وبه توپ پراندن عدهٔ زیاد کوهستانیهاو کوهدامنی ها، به جرم تاجیک بودن، توسط محمدنادر ودرزمان طالبها، پرده برداشته است.

جنگهای کابل، جنگهای روحانیون مرتجع (صبعت الله مجددی، جنگ هزاره (خلیلی ومحقق ومزاری)، جنگ ازبیک(رشیددوستم)، جنگ پشتون(گلبدین، حقانی، خالص) دربرابرحکومت مشروع تاجیکها بود. این حکومت درتلاش بودتا رهبران این اقوام دریک حکومت وحدت ملی دورهم جمع شوند، ولی افسوس که اتحاد و هماهنگیهای ضدملی، به دستورپاکستان واستخبارات منطقه دربرابر آن حکومت، زمینه رایکباردیگر برای برگشت طالبان به زعامت ملا عمر مهیاساخت، که درفرجام بازهم پشتونها در بن، باشعار(برادر بزرگ... اکثریت... وزعامت بایددرقبیله باقی بماند، بااستمرارقدرت به ارگ بازگشتند، وسیزده سال دیگرملت جنگزده وبیچاره را، بیچاره ترساخته و درآستانهٔ ورشکست اقتصادی، سیاسی ونظامی (به زعامت کرزی) قراردادند.

شهادت وزخمی شدن نُه هزارسرباز اردو، پلیس وامنیت ملی، قرار اظهارات جنرال جان اف کمبل، قوماندان قوای ایساف در افغانستان، حاصل تلخ زعامت پشتونهاست که طالبهارابخاطرارتباط تباری درآغوش کشیده وبیش از پنجهزار آنهارا اززندانهارهانموده راهی جبهات جنگ درسی ودوولایت کشور ساخت. پیوندهای تباری بازهم کرزی رادرصف اول نمازعید درارگ قرارداد، درحالیکه بایددرپشت میزمحکمه بخاطرخیانتهای ملی به سئوالات ملت پاسخ می داد !

چرا درمورد موفقیت حکومت وحدت ملی شک وتردیدموجود است؟ و چرا ما حکومت وحدت ملی راراهی بسوی ترکستان خواندیم؟

یک بخش عمدهٔ این حکومت ودررأس آن یک پشتون غلزی، ارزش های قبیلوی خودرا برارزشهای ملی وبین المللی ترجیح میدهد. مردم دنیاوما شاهد بودیم که دراولین ومهمترین مراسم سیاسی، که مراسم تحلیف بود، ارزشهای ملی وبین المللی که پوشیدن یک لباس مناسب بود، کنارگذاشته شد، ورئیس جمهور نه بحیث زعیم یک کشورچند ملیتی، بلکه درقیافهٔ یک مشرقبیله، با دستار وشملهٔ غلزی هاظاهرشد. افسوس که چپن وکلاه ودستار پوپلزی رفت، وجای آنراجلیقه و پتکی و ایزار گرفت! براستی که ملت ما ازین قیافه هاو عوام فریبی ها، دستارزدنها، زناراندانختها وتسبیح گرفتنها خسته شده اند ! در میان نمایندگان بیش از۴۳ کشورجهان، هزاران مهمان داخلی، پوشیدن پیراهن وتنبان به سرکردن دستاری باشملهٔ پشتونهای غلزی، نمادیک شخصیت قبیلوی رابیشتر معرفی میکند تایک شخصیت ملی!

عنصردیگرشکاکیت درمورد موفقیت این حکومت، اشتراک افراد طالبان با پاسپورتهای امریکایی درتیم احمدزی است. علایق وپیوند های آنهابافرار ویا هجرت درظرف سی سال گذشته، ازوطن گسسته، وبرای بدست آوردن کرسی هاوآرزومندیهای اقتصادی دوباره بر گشته اند. این افراد از(مظلومیت طالبان برادر) شکایت داشته وبرای بازگرداندن آنها مصروف (دنباله درصفحهٔ ششم)

داکتر نوید پارسا

چند اقدام نادرست در آغاز کار دولت

طوریکه همه میدانیم امضای توافقنامه تشکیل دولت وحدت ملی،با ضمانت نمایندگان ملل متحدوسفیرامریکا، موجب ایجاد این دولت گردید. درباره اثرات حقوقی موافقتنامه وبعضی از اجراات انجام شده درین مدت کوتاه، تبصره هایی را لازم دانستم تا بنویسم. هدف ازین نوشته آنست تابرای هر دوتیم ازهمین آغازکار، چگونگی اعمال قدرت را (هردوتیم مساویانه حامل این اتوریتی دولتی اند ۵۰/۵۰) به صورت مشترک بیان نمایم:

۱ـ برای جلوگیری از صدور فرامین جداگانه بالوسیله رئیس دولت وحدت ملی و رئیس اجرائیوی باید تمام اسناد، به شمول فرامین و مقرریهای صادرشده، یک جانب بالوسیله جانب دیگرامضاءشود.این شیوه کار ازلحاظ حقوق اساسی در دیگرکشورها عملی شده است، چه درنظامهای شاهی که فرمان شاه بالوسیله صدراعظم متقابلاً امضاء میشود، ویا اسنادصادرشده بالوسیله رئیس دولت از جانب صدراعظم امضاء میگردد Countersigningبعضی ازاجراات یکجانبه رئیس دولت وحدت ملی بدون امضای متقابل رئیس اجرائیه انجام شده، که مخالف توافق اعمال قدرت بصورت مشترک می باشدو منطقاً باطل می باشند.

۲ـ تعیین آقای ضیاءمسعود بحیث نماینده فوق ا لعاده رئیس جمهور دولت وحدت ملی، دراموراصلاحات وحکومتداری خوب، ومراسم تحلیف برای موصوف بدعت دیگر رئیس دولت وحدت ملی بود. قاعدتاً اصطلاح نماینده فوق العاده در نظام اداری-سیاسی ما وقتی بکار برده میشد که شخصی بحیث فرستاده خاص رئیس دولت برای یک ماموریت دیپلوماتیک به خارج تعیین میشد وبعد ازختم این ماموریت وظیفه اش ختم می گردید.اصطلاح خاص آن درزبان دپلوماتیک Plenipotentiary or Special Envoyبود.نمیدانم جناب ضیاء مسعود کدام دانش وفهم فوق العاده اداری دارند که بتوانند این کار را انجام دهند؟ با کدام دیپارتمنتها با کدام امکانات عملی و صلاحیتها؟ ایشان مشروعیت سیاسی خود راغرض اجرای صلاحیت و اتوریتی از کجا بدست می آورند؟. بدعت دیگر برپانمودن مراسم تحلیف برای آقای ضیاء مسعود بود که نه کدام مقام سیاسی دارند و نه هم حدود اجراات وظیفوی شان موجود می باشد که باید آن را به حسن صورت مطابق قانون اساسی انجام دهند. به نظرمن برای کم اهمیت جلوه دادن مراسم تحلیف جناب داکترعبدالله ومعاونین محترم شان ،که آنها مساویانه درقدرت سهیم میباشند، مراسم غیر ضروری را برای آقای مسعود برپا نمودند. درین مورد باید دادگاه عالی و شورای قانون اساسی سکوت را شکستانده و این بدعت را انتقاد و حالت حقوقی واقعی را بیان دارند.

۳ـ فرمان بازشدن وبررسی مجدد دوسیه کابل بانک اقدام نیک و بجای محترم داکتراحمد زی می باشد به شرط این که شامل تحقیقات همه جانبه بوده و مخالف اصل منع تعقیب مجدد برای جرم واحد Double Jeopardyنباشد. این تحقیق بایدشامل باز پرسی از کرزی، عمر زاخیلوال وسایرمسئولین کمپاین انتخاباتی کرزی گردد. طبق اظهارات فرنود یکی ازمحکومین این پرونده، این بانک یک مبلغ قابل توجه رابرای تیم انتخاباتی کرزی در انتخابات سال ۲۰۰۹ داده بودند (سال ۲۰۰۹) و درحدود هفتاد موترزرهی برای وی خریده بودند. آقای زاخیلوال همچنان بایدازپول هاییکه به حساب شخصی خود ازپول کمپاین انتخاباتی آن زمان انتقال داده ، پاسخ واضح دهد (رجوع شود به اسناد نشر شده توسط تلویزیون طلوع). آقای زاخیلوال کدام خدمت خاص مالی رابرای کشور انجام داده است که مشاوراقتصادی رئیس دولت وحدت ملی تعیین شود. آیا خزانه خالی دولت ویرامستحق چنین مقامی مینماید؟ ویاطوریکه شایع است بعضی ازعوایدمالی سرحدات رابرای کمپاین اشرف غنی درین دوره انتقال داده است. نبایدازمجرمین و مفسدینی که شناخته شده اندتقدیرصورت گیرد. عوام فریبی موجب شرمساری بیشتر مدعی صداقت و پاک بازی می گردد .

۴ـ طبق اطلاعات تاریخی اززمان امیرحبیب الله خان به بعد مامورین دولتی لباس رسمی میپوشیدند که ازلباس روزانه که در خانه و یاهم در ایام رخصتی بعد ازانجام وظیفه پوشیده میشد، فرق داشت.این رسم تازمان کرزی سالاری ادامه داشت. کرزی با مدل قراردادن خود منحیث پیراهن وتنبان پوش صدمه بزرگی به صلابت ، ابهت و اتوریتی مقام دولتی و کارمندان دولت وارد نمود. عده زیادی از مامورین دولتی و شاگردان دانشگاهاوحتی باتاسف استادان با همان پیراهن و تنبانی که شب با آن خوابیده اند به دفترمی آمدند وهنوز هم می آیند. همه این اشخاص باپیروی از کرزی رسم نادرست رابجا گذاشتند. واضح است که پیراهن وتنبانی که درهفته یکبار تعویض میگردد بوی عرق وچرک آن برای کسانیکه دریک اداره می نشینند و یادریک صنف میباشند سخت اذیت کننده میباشد. لطفا یکبار به سایت انترنتی شورای ملی مراجعه کنید وببیند که درعکسهای یاد گاری دهه سی قرن گذاشته همه اعضای شورای ملی لباس رسمی به تن دارند. آقایان احمدزی وعبدالله به پاس احترام به حدیث مبارک که برنظافت تاکیدمینمایدواحترام به اتوریتی دولتی واعاده حیثیت اداره رسم (ایزارپوشی) در ادارات را با پوشیدن دریشی در هنگام رسمیات پایان بخشند.

۵ ـ یک باری کرزی گفته بود که من «زبان فارسی و پشتو را گد و ود» کرده ام. منظور کرزی آن بود که وی دریک بیانیه بیست دقیقه یی خودگاهی به پشتو گاهی به فارسی صحبت می نمود. وی نمیداند که اولین اصل سخنرانی آن است که شخص سخنورمخاطبین خود را بشناسد وبرای آنهاسخنرانی نماید. اگرچنین صحبت گد و ود درحضورمحصلین دانشگاه باشد فرض برین است که همه سخنان ویرامیدانند. امااگردریک بیانیهٔ که برای مردم افغانستان و حتی شورای ملی صورت میگیرد باید همه سخنان به یک زبان باشد با ترجمه هم زمان و یا ترجمه بعدی. بیانیه های خطاب به ملت اگر بصورت مختلط باشد سخنران پیام خود را به صورت واضح به مردم رسانیده نمیتواند. با وجودیکه بیشترازنود وپنج در صد مردم به زبان فارسی می فهمند اما شایدیک هم وطن پکتیایی ما بخشهای فارسی بیانیه رابصورت درست نداند. درین صورت مابه حقوق بشری موصوف یعنی حق دریافت اطلاعات صدمه میزنیم. به همین منوال برادران فارسی زبان ما درتخار، بدخشان...، بخشهای پشتوی صحبت راندانند. امیدواریم که هر دوتیم ا نتخاباتی و رهبران شان به حقوق بشری، حق دریافت وکسب اطلاعات شهر وندان کشور، باتعقیب میراث شوم کرزی سالاری صدمه نزنند.به یادداشته باشیم که عمدتاً زبان اداری وعملی lingua francaکشورزبان فارسی است.(ص ششم)

محمد طاها کوشان — فریمونت ـ کالیفورنیا

(گپ) غلط معنی غلط املا غلط انشا غلط

پایداری نیست در آب و گل بنیاد ظلم — می کند ویران نسیمی خانه صیاد را
یک ره ای آتش به فریادسپَندَمن برس — در گره تا چند بندم ناله و فریاد را

صائب تبریزی

تلویزیون طلوع رابه تماشا نشسته بودم، که هردوگرداننده برنامه جریان انتقال قدرت را ازکاخ ریاست جمهوری افغانستان، هی گفته میرفتندکه اولین انتقال مسالمت آمیز؛ همان لحظه این پیام را به طلوع نیوز فرستادم : (با درود و سپاس از همه دست اندرکاران تلویزیون پیشتاز وممتازطلوع ! از یادنباید بردکه اولین زعیم ملی در مقام ریاست جمهوری افغانستان که درآوردن این نظام تلاش وکوشش بسیارنمودتابه واگذاری قدرت دریک فضای آبرومند برادری و برابری ؛ اولین سنگ تهداب انتقال آرام وصلح آمیز را در افغانستان، شهیدصلح روانشاداستادبرهان الدین ربانی گذاشت. این بسیارظالمانه وحق تلفی خواهد بود که این سنت سترگ وواقعه بزرگ استاد شهیدپروفیسربرهان الدین ربانی است؛ وما یاد نکنیم)

دومین انتقال مسالمت آمیز بیرون برآمده ازیک انتخابات نامشروع پر از تقلب وبابیانیه جناب حامدکرزی رئیس جمهورپیشین که خود بایک دسیسه و تقلب برمسند قدرت تکیه زده بود؛ هرچه گفت غلط ودروغ. حامدکرزی یک خاین وجنایتکارملی است که درنوشته های پیشین همه موارد را برشمرده ام.

با وجود اشتراک رئیس جمهور پیشین در سالیان گذشته در مراسم حلف وفاداری یکعده زیاد روسای جمهور منتخب که آنها واقعا هشتاد و پنج درصد از انتخابات تا اندازهٔ بی تقلب به مسند قدرت تکیه زدند؛ اشتراک نموده بود، با آنهم آن چنانیکه رئیس جمهور پیشین سنجیده بود، سران کشورهای جهان در این مراسم با بی میلی یا شخصیت های سمبولیک و یا هم شخصیت های دوم و سوم آمده بودند و بسیاری از کشورها سفرای شان اشتراک داشتند.

میهن مهین ما باز از یک آزمون سخت وپر از دو رویی و نادرستی و خیانت بدرشد، واین گروه دور ازدانش وخرد واندیشه وپیش پایین با بیهوده سرایی مفت و جفنگ گفتنها سعی نمودند نسل جوان را متیقن سازند که ما از راه قانون و آرای مردم به مسند قدرت تکیه زدیم نه از راه جنگ؟!

ازنظر قرءان کریم ما مسلمانان با هیچ پیروان کتب سماوی و دیگر ادیان و قوم وقبیلهٔ در زمین خدادشمنی کرده نمی توانیم؛ چون خواست خداوندهمین است وخود فرموده؛ خودمیخواهد که ماخلیفه هایش در زمین باهم برابر زندگی بسرکنیم. دربرگزیدن راه و روشهای زندگی مارا اختیار داده.هم درعرف و هم در قوانین اساسی دنیا حتی پیروی دینی و پیوند عرقی برای زمدار وخانمش قید گردیده و حتی در امریکا نیز بسیار حساسیت برانگیز می باشد.

آتش از چهرهٔ زرین اثر زر ندهد — دین به دنیامفروشید که دنیا دنیاست

بیدل (رح)

اولین رئیس جمهوردرجهان که باریشخندوتقلب ورسوایی بایک انتخابات پراز تقلب ودروغهای شاخدار گاوی و گوسفندی با آنعده ازخلقی هاییکه دیروز ریش گذاشته بودند و از طرف آی اس آی بنام طالب درصفوف طالبان بحیث تانکیست وتوپچی ووو بسیج شده بودند؛ امروز نیم شان باریش وپشم ونیم شان بی ریش وبا نکتایی بازمیخواهند این ملت را به قهقرا بکشانند. شما کشوری راسراغ داریدکه کیش شان عیسوی یایهودی ولی زن رئیس جمهورش مسلمان باشد؟ ولی همه ریش درازهای ما، به خیالم از دین برگشته اند که به ملکه نیم یهودی نیم مسیحی بیعت می نمایند! و شوهرش نام اصلی او(لورا) راکتمان وبا نام تقلبی (بی بی گل) معرفی می نماید !

پس آن بی دینان چراملکه ثریا زن مسلمان وپاکدامن را فتوی داده بودند که باشاه امان الله خان غازی هردو ازدین برگشته اند؟ بعد ازین به این مدعیان و تیکه داران بنام مسلمان که دور وبر اشرپ عنی جمع هستند؛ هیچ آگاه از دین و قوانین مملکت باورمند نیستند که راستی اینها مجاهد بودند و مسلمان.

این امت مسیلمه ز افسون یک دو لفظ — بر عرشه شکست نبوت دویده اند

بیدل (رح)

پراست آفاق ازغولان آدم رو چه سازاست این
به این بی دانشان یا دانشی، یا مـــرگ آگاهی — بیدل (رح)

پس آگاه باشید وبدانید که ازنظر فقهی وهم از نگاه عرف سیاسی دنیایی در هرزمان ؛ درادوارتاریخ میهن مااگرزن کسی غیرمسلمان میبود حتی به وزارت و سفارت مقرر نمی شدند چه برسد به رئیس جمهور؟! اشرپ عنی رئیس جمهور مشروع و قانونی کشوراسلامی افغانستان نیست که نیست. پس سبب اشتراک نکردن سران دول متحابه دراین مجلس اینست که به این شخصیت بی باورند و به حکومتش به حیث یک حکومت لرزان وبی دوام نگاه میکنند. به چند دلیل :

اول اینکه این رئس جمهور ازبین آرای پاک و سفید برنیامده. دوم اینکه اوعصبانی مزاج هست. مهمتر ازهمه که از نگاه اعتقادی مورد انتقادهست که گاه به مسجد میرود و گاه به دیر. اما این دیر ومسجد اشرپ عنی تا کعبه و بتخانه عارفان یعنی خداشناسان فرقش از زمین تا آسمان است.

چون همه میدانند افغانستان افغانستان است، لبنان نیست که جماعتهای مسیحی دارد؛ افغانستان ایران نیست که بهایی و ارمنی دارد. افغانستان افغانستان است و۹۹ اعشاریه ۹۹ درصد شهروندانش مسلمان می باشند، وسزاوارنیست که بانوی اول آن یک زن نیمه مسیحی و نیمه یهودی باشد، ویخواهد بنام بی بی گل بنیادی بسازد تا یتیمان را حمایت کند. دوم اینکه ضمانت یا گرانتی وجود ندارد که این بنیاد اولاد مسلمان را به کیش مسیحی سوق ندهد.

بانو ثریها در نوشته مستندش منتشره صفحه ۳ شماره ۹۸۱ هفته نامه امید چاپ ورجینیای امریکا،مینویسد:(اشرپ عنی در زمان حکومت ظاهرشاه جهت ادامه تحصیل به لبنان رفت وشیفتهٔ اندیشهء مارکسیستی گردید، هنگام اشغال کمونیستها کوچکترین فعالیتی برای آزادی کشور نکرد بلکه بگونهء مخفی از حکومت کمونیستی حمایت کرد و درچرگه های قبایلی باشف لنگی درکنار داکترنجیب ایستاد . اشرپ عنی هنگام حکومت طالبان یکی ازحامیان معنوی آنها بود ... اشرپ عنی احمدزی ...در وزارت مالیه دراثر ناپدیدشدن صدملیون دالرکمک بانک انکشاف آسیایی ناگزیر به ترک وظیفه شده...) که باید حساب این صد ملیون دالر را به ملت افغانستان و بانک انکشاف آسیایی بدهد./

افغان فونديشن تقديم مى كند :

داکترعزیزغوثی : تاریخ افغانستان از۱۹۱۹ تا۱۹۳۳

با سرنوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینهٔ پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362
Telephone: 805 241 0780

Omaid Weekly
P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
mkqawi471@gmail.com
ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

عبدالودود ظفری — المیدا ـ کالیفورنیا

ماچه به دست آوردیم ؟ جنگ سرّی امریکادرافغانستان۱۹۷۹ـ ۱۹۸۹

اخیراً کتابی باعنوان فوق درامریکابه بازارعرضه شده، که جنگ ده سالهٔ افغانستان باشوروی رابررسی مینماید. کتاب توسط بروس ریدل Bruce Riedel همکارارشد ومدیر پروژهٔ استخباراتی موسسهٔ بروکین، تألیف شده است. کتاب از اهمیت زیاد برخورداراست، زیرامولف درمتن جریانات قرارداشت ومحرم راز بود، سی سال درمواقف مختلف درسازمان سیا CIAوظیفه داشت، وبه چهار رئیس جمهورامریکا درامور کشور های جنوب آسیا وشرق میانه مشوره داده، عضوشورای امنیت ملی امریکابود. بروس ریدل را رئیس جمهوراوباما درسال ۲۰۰۹ به صفت گروه مطالعه وبازبینی پالیسی امریکا درافغانستان وپاکستان تعیین کرد. وی کتاب دیگری دارد به نام (درجستجوی رهبری، اید یالوژی وآیندهٔ شبکهٔ القاعده) که یکی ازپرفروش ترین کتابهای نهاد بروکین می باشد.

من سعی میکنم تلخیص قسمتهای کتاب رابرای کسانیکه ازمتن انگلیسی استفاده کرده نمیتوانند، درچندبخش به فارسی تقدیم بدارم. باوجودیکه مولف درموردجریانات چنددههٔ گذشته معلومات کافی دارد، وازنقش مردم افغانستان درشکست دادن قشون سرخ آگاه میباشد، ازجذبات ملی ودینی مردم ما دردفاع از آزادی،وطن، دین وناموس طفره میرود، وبانادیده گرفتن ریختن خون ملیونها انسان افغانستان، افتخارشکست وخروج قوای شوروی را به پاکستان می بخشد، جنگ افغانستان راباشوروی،جنگ ضیاءالحق میخواندوفروپاشی شوروی را کار دستگاه آی اس آی ونظامیان پاکستانی میداند. اینهم بخش دوم سلسله مقالات :

کمونیستهای افغانی: ازدههٔ هشتاد بدینسو شبرغان مرکزولایت جوزجان در شمال افغانستان، قلعهٔ نظامی عبدالرشیددوستم راتشکیل میدهد. دوستم که یک شخص قوی هیکل وباهیبت میباشد، از سیمایش ریشهٔ مغول بودنش هویداست. اودرجنگ هاییکه افغانستان راازسال ۱۹۷۹ تخریب نمود، نقش مغلق داشته است. دوستم یک جنگسالار بدنام میباشد، روزیکه شماری ازاعضای اتحادشمال (جبههٔ متحد) ضدطالبان رابه شبرغان بخاطریک جلسه دعوت کرده بود، با دریشی ونکتایی ظاهرشد، که متمدن معلوم شود. درآن جلسه، رئیس جمهور ربانی، کریم خلیلی، محمدعبدالله(عبدالله عبدالله)، نمایندهٔ احمدشاه مسعود افسانوی، ریچاردسن نمایندهٔ امریکادرسازمان ملل متحد وکارل رک، معاون وزارت خارجهٔ امریکاحضورداشتند.

هیئت امریکایی که ازکابل پرواز کرده بود، به استقبال خیلی گرم درمیدان هوایی روبروشد. هنگام رفتن بسوی شهر، صدهاشاگرد مکاتب با اهتزازدادن بیرقها، هیئت رااستقبال نمودند. بسیاری شان یونیفورم مکاتب خودرابتن داشتند، دختران بدون چادر وروسری بودند. صحنه چنان تنظیم شده بود که فکرمیشد جشن روزاول ماه می ویاانقلاب روسی باشد،زیرازمانی دوستم در خدمت KGB بود.دوستم درقطارآدمهای شریر بحساب می آمد، کسانیکه درجستجوی درک سیاست خشونت آمیزدرافغانستان درنیم قرن گذشته میباشند، آرزو دارند دسایس کمونیستهاراکه درسال ۱۹۷۸ قدرت راغصب کردند وروس هارا دعوت دادندتاقوای خودرابه افغانستان اعزام کنند، واین موضوع منتج به دخالت سری امریکاشد، مطالعهٔ دوستم که نقش دو طرفه بازی نمود،بسیار سودمنداست.

درسطح قوماندانان تفاوت چندانی میان دوطرف وجودنداشت، اکثر شان همانند جنگسالاران رفتارمیکردند. بهترین آنهااحمدشاه مسعود بود که مافوق همه صعود نمود، رفاه وسعادت مردم رادرنظرداشت. بدترین شان گلبدین حکمتیار، قویترین قوماندان منطقهٔ پشتونی بود که همراه بادوستم،معُرّف قوماندانهای دو طرف بودند، بیرحم، فاسد، دمدمی مزاج وجابر. دوستم چندین باردرجریان زندگی خونبار خود جهت خودرا تغییرداد، حتازمانی مدت کوتاهی دراتحاد با طالبان و پاکستان درآمد، وسالهاازحمایت شوروی، ایران، ترکیه، ازبیکستان، روسیه وامریکا برخورداربود. حیات سیاسی دوستم بصفت کمونیست جناح پرچم، درقوای مسلح آغازشد. وقتاکه جناح خلق قدرت راغصب نمود، دوستم به پاکستان گریخت. پس ازآنکه فرقهٔ چهلم اتحادشوروی باقتل حفیظ الله امین، ببرک کارمل رابقدرت رسانید، درسال ۱۹۷۹بوطن بازگشت وبصفت قوماندان ملیشه های محلی به حفاظت ودفاع مناطق گازدار جوزجان گماشته شد. دوستم یک سربازطبیعی ورهبرموفق بود، سربازان اوموقف شدید و خاصیت کرزمایی اورا می پسندیدند. دوستم درحملات رودر رو بر دشمن تخصص دارد، شهرت زیادتر او درتندخویی وبیرحمی شدیدش میباشد.

درزمان قدرت نجیب الله، دوستم بحیث قوماندان ملیشه های خاد در جوزجان تعیین گردید، وبه سرعت ملیشه های جوزجان به یک قدرت پیروز کمونیستی عرض وجودنمودند، واز دسپلین خاص برخوردار بودند، اکثراً قوماندانهای مجاهدین رادرشمال افغانستان به شکست مواجه میساختند، حتا بعضی رابه قبول داعیهٔ کمونیسم تشویق میکردند. قوایش به فرقه ارتقاداده شد، که شامل ده هزار جنگجو بود، وبخاطر خدماتش جایزهٔ قهرمان افغانستان رابدست آورد. درسال ۱۹۸۹ به مقام قوماندانی فرقهٔ هفتم دست یافت. حکومت نجیب الله که ازجانب مجاهدین محاصره شده بود، قوای دوستم درشمال ۲۰هزارتا۴۰هزارتخمین می گردید، سه فرقهٔ پیاده، ۶۰طیارهٔ مگ، ۶۰بال طیارهٔ هلیکوپتر ودوصدچین تانک ساخت روسی دراختیارداشت، ودولتی رادرداخل دولت رهبری میکرد .

بافروپاشی شوروی در۱۹۹۲، دوستم تغییرجهت دادوبامجاهدین پیوست. در جنگ اشغال کابل اشتراک ورزیدکه نجیب الله خلع مقام شد. رژیم کمونیستی سقوط نمود، جنگ قدرت درمیان جنگسالاران آغازشد. دوستم نقش مرکزی درتغییردادن دایمی ائتلاف هاداشت، واز بازیکنان منطقوی، ایران، ازبیکستان، ترکیه وروسیه کمک دریافت میکرد، ازیک ملیون رأی جوزجانی هابرخوردار بود. دوستم هنوز هم باآنکه تکلیف صحی دارد، بصفت دلال قدرت تشریف دارد، درانتخابات۲۰۰۹ازکرزی پشتیبانی نمود. اومتهم به جرایم زیاد جنگی و قتل بازداشتیهامیباشد. اگرشخصی از اونافرمانی میکرد، اورا سادیست وار(از زجردیگران لذت بردن) نابود میساخت. درکشوریکه شمار جنگسالاران وحشی کم نیست، بیرحمی وسبعیت دوستم شکل افسانوی دارد. دوستم ازهر کس در ساحهٔ زیرنفوذ خود مساوات جنسیتی راتطبیق کرده بود.

از بازی بزرگ تا انقلاب کبیرثور : افغانستان بخاطرموقعیت جغرافی اش از آغازتاریخ موردتهاجم قدرتهای خارجی قرارداشته. تهاجم را ایرانی ها، روسها، یونانیهاومغولهاانجام دادند. درجریان دوقرن گذشته، افغانستان درمیان دوقدرت بزرگ روس وانگلیس ویا روس وامریکاکه بنام (بازی بزرگ) یادمیشود، گیر مانده بود. جنگ اول افغان انگلیس(۱۸۳۸تا۱۸۴۲)، حمایت قوی کمپنی انگلیسی شرق هند راجلب نمود، زیرا دفعتاً یک جنگ بسیارپرمنفعت دیگررا که بنام جنگ تریاک یادمیگردد، باچین آغازکرد. عین واقعه میان امریکاو افغانستان صورت گرفت، که امریکابرعراق حمله نمود، و توجهٔ خود راآنطرف دور داد. انگلیسهادرقرن ۱۹توجه راازافغانستان به چین معطوف داشتند، وآن به انگلیسها مصیبت باربود، زیراقوایش تار ومارشد وبه پشاور نرسید.

جنگ دوم انگلیس افغان زمانی آغازشدکه یک هیئت روسی درسال ۱۸۷۸ مصروف دیداراز کابل بود. انگلستان کابل راتصرف کردوآن رابرای مدتی نگه داشت. نتیجهٔ عمدهٔ جنگ، تعیین خط مرزی میان افغانستان وهندبرتانوی دردههٔ ۱۹۸۰بودکه درسال۱۸۹۳توسط مارتیمردیورند کشیده شد، (دنباله در ص ۶)

پروفیسرداکتر حمیدهادی — کرولاینای شمالی

گریه کردیم برسرقبری که درآن مرده نبود !

امروزکشورماافغانستان، درتاریخ جهان وکشورهاییکه درجریان تجربهٔ دموکراسی قراردارند، اولین مملکتی میباشدکه درآن یک کاندید برندهٔ انتخابات اعلام شده وکرسی ریاست جمهوری رااشغال نموده است، قبل ازآنکه آراء مردم بصورت دقیق حساب شده باشد!

ازنظراین نویسنده، چنین مسألهٔ درحیات سیاسی کشورمانظربه دلایلی که در پایین ازآن ذکرخواهم کرد، تعجب آورنمی باشد، اما این چنین پروسهٔ انتخاباتی ومشکلاتی که خلق شده، نه تنهااشتباه وخیمی برای هردوکاندید به شمار میرود، بلکه درمورد تجربهٔ تلخ از دموکراسی یعنی حکومت مردم، برای انتخابات آیندهٔ کشور ونسل آینده، آزمایش کشنده ای راازخود بجاخواهد گذاشت، به این معنی که درانتخابات آینده آهسته آهسته مردم به تقلب وخیانت بیشترخو گرفته ودرمورد قانون بی اعتناخواهند ماند.

گرچه تاریخ عبارت ازشرح وقایع وحوادث گذشته میباشد، اما تعریف مکملتر تاریخ آنست که برعلاوهٔ شرح حال وحوادث گذشته، آن وقایع وحوادث بایدتحلیل گردد. همین تحلیل حوادث گذشتهٔ تاریخ است که بما یاری میبخشد تاحوادث رابطورسرسری وسطحی ازنظر نگذرانیم واشتباهات، خیانتها وجنایات رادرین مسیرنادیده نپداریم. تحلیل همان حوادث است که وقتی درآن کجروی هاراتشخیص نمودیم، ودر صدد علاج آن برآمدیم، مارا به سرمنزل مقصود رهنمونی میکند. بیایدببینیم درمشکلات انتخابات اخیردرکشورما، چرا دموکراسی ناکام شد، باوجودمصرف صدهاملیون ویابیشتردالرامریکایی، تقلب درصدوقهای آرای مردم به بلندترین سویهٔ ادارات دولتی صورت گرفت؟ علاوتاً چه عواملی مارا ازرسیدن به آرزوی آزادی فکری وشعورسیاسی جلوگیری کرد ؟

درین موارد مختصراً به چندنکته اشاره مینمایم :اول، مطالعهٔ سوابق ما : باکمال تأسف ازدورهٔ سلطنت امیردوست محمدخان تاحکومت حامدخان کرزی، به استثنای رهبریت کشور توسط شاه امان الله، که اوخود هم قربانی مداخلهٔ خارجی هاودین افراطی اسلامی داخلی وجاسوسان خارجی شد، متباقی همهٔ پادشاهان این سرزمین یا دکتاتوربودند، یاتوسط حکومات خارجی برشانه های ملت ماسوارشده بودند. این رهبران به دموکراسی وحقوق مردم و دربرابر قانون بی اعتنا بودند. تاهراندازهٔ که توانستند قتل کردند، مردم رازندانی کردند، شکنجه دادند، ازکشورتبعیدنمودند، وبهر وسیلهٔ که موجودبود، رشد سیاسی مردم رابه انحطاط بردند. وقتی هم چون مصلحت دیدند، ازکشتاربیرحامهٔ یک دیگرحتی اعضای فامیل خود خودداری نکردند. اینها عوامفریبی کردندواکثراً دین را بحیث اسلحهٔ سیاسی بکاربردند، حتی مذهبیون ظالم هم دین رابه سیاست فروختند و سیاست ازفتوای آنهااستفاده میکرد .

این سطور رابخاطری نوشتم که نشود شیفتهٔ گفتارآن برادرافغان فرانسوی مشرب شویم که زمانی قبل میگفت گروه طالبان کرام نوکر خارجی نیست، بلکه این گروه مردمی ازخودافغانستان اندکه چون مرغ قشنگ وافسانوی ققنوس یا phoenixبعدازسوختنش، دو باره ازخاکستر خود بلند شده، تاکشور خودرا آزاد سازد ! این جنابعالی ازسرچشمهٔ کثیف ناسیونالیسم آب خورده بود، به ماوشما افسانه میگفت، حقایق تاریخی راکتمان میکرد، وازتحلیل واقعا و حوادث تاریخی عاجزبود.

براساس این نوشتهٔ مختصر، میخواهم عرض کنم که یکی ازعلل ناکامی ما در پروسهٔ دموکراسی وانتخابات همین است که مردم ما درگذشته هایی که ذکر کردم، بنیاد وتهدابی ازدموکراسی نداشتند ودرطول چندین قرن، ازعظمت قانون درحیات مدنی آگاه نبودند، ازهمینجاست که درین انتخابات اخیربودکه هردو کاندید که ظاهراً تحصیلیافته به نظرمیخورند، درقسمت غیرقانونی بودن انتخابات و تقلب درشمار آرای مردم، بی تفاوت باقی ماندندورفتند وحکومتی راتشکیل دادند .

دوم: مداخلهٔ خارجیان : قدرتهای خارجی درمسیرتاریخ کشورما، از چندصدسال به اینطرف، تعیین کنندهٔ سرنوشت مردم مابوده اند، و مردم ماوخصوصاً رهبران مابه ایشان اجازهٔ این کارراداده اند. در گذشته های نزدیک وحال حاضر نفوذ روسهاوامریکاییها مثالهای خوبی اند. بیاد داریم که رهبران کرملین چطور یکعده مردم مارابه نوکری پذیرفتند. امروزامریکایی هادرلباس دموکراسی کاذب، عین کاررا پیش میبرند. درزمان حکومت جارج بوش، وزیردفاع او دانلد رمز فیلد یک روز به فصاحت ابراز کردکه آنهابخاطرآبادی و ترقی افغانستان آنجا نرفته اند. مابچشم خوددیدیم درمدت چهارده سالی که امریکاییها سروصدای دموکراسی رابراه انداخته بودند، ودهل حقوق بشر وآزادی سروصدایی در دنیاراه انداخت، همه میانخالی بودوحتی برانتخابات غیرقانونی انتقادی نکردند، وآنچه خواستند کردند، ازانتخابات دموکراتیک صرفنظرودر زیرچتر حکومت اتحادملی، نوکرمورد نظرخودرا بجایی که ترتیب داده بودند، نشاندند !

درداستانهای عنعنوی افغانستان قصهٔ از کلیله ودمنه درین موضوع دارم: میگویند روزی مردی که صاحب زمین ودارایی وجاه وجلال بود، عمرش به آخررسیده بود. قصدکرد قبل ازینکه مرگ به سراغش بیاید، ازاعضای فامیل واقارب طلب عفونماید، تااگر کار زشتی از اوسرزده باشد، او راموردعفو قراردهند. ازتمام اعضای خانواده طلب عفونمود، بعدبیادش آمدکه چون صاحب یکعده حیوانات میباشد، نزدآنهانیز رفته وعفو بخواهد . اول نزدگوسفندی رفت و گفت: گوسفندعزیز چون دوران عمرم به پایان رسیده، اگر باتو رویهٔ نامناسبی کرده باشم، مرا ببخش. گوسفندگفت: توبادار خوبی بودی ومن تراعفو میکنم. بعد نزدحیوانات دیگررفته وهمه او را عفو کردند. بالاخره این مرد نزدشترش رفت وگفت: شترجان ! من مدتها برپشت تو بار سنگینی بستم وخار وعلف خشک برایت می دادم،چون عمرم به پایان رسیده، اگرترا اذیت کرده باشم مرابخش! شتر گفت: بارسنگین ترا می بردم، خار وعلف خشک میخوردم، و وقتی که بادارمن بودی، من زندگی آرامی هم نداشتم. همهٔ اینهارا می بخشم، اما حاضرنیستم دریک پیشامدی که هربار درحق من می کردی، ترا عفو نمایم . بیاد داری که هروقتی کاروان را می بستی، عزم سفر میکردی، همیشه ریسمان مرا درپشت خر می بستی واورا پیشقدم من میساختی؟

درگذشته هاانگلیسها وروسها وامروز امرکاییها همین کارزشت و پیشآمدغیرقابل عفو رادحق ملت افغانستان نموده اند، یعنی رهبری مردم افغانستان را بدست خر سپرده اند. واضحاًاین اقدام به منفعت خارجیان بود، وبدین وسیله آنهاتوانسته اند اهداف خودرا ازطریق مزدوران نالایق خود درین حوزهٔ مهم جغرافیایی پیاده کنند. امااین حرکت خارجی هاکه غیرقابل عفوشمرده میشود، به بنیاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ومدنی افغانستان صدمهٔ غیرقابل جبران وارد کرده است.

سوم، رهبریت چهارده سالهٔ کرزی : صدمهٔ این رهبریت خیلیها جبران ناپذیر بوده است. درین دورهٔ حسرتبار بودکه افغانستان بهترین چانس طلایی را برای پیشرفت وترقی ازدست داد. درین ایام حدود۳۲تا۴۲ ملیارد دالرکمکهای جهانی به افغانستان، ازطرف کرزی، برادران، اعضای خانواده و رفقا واعضای حکومت او چور و چپاول شد، بیت المال کشور وپول کابل بانک بسرقت رفت، برادر رئیس جمهورپروژه های صدهاملیون دالری راتصاحب کردند، و یکی ازبرادرانش رئیس حلقهٔ مافیای تریاک وهیروین بود. (دنباله در ص ۷)

انجنیر عبدالصبور فروزان — نیوجرسی

تلویزیون ژوندن، مظهر تعصب زبانی و قومگرایی در افغانستان

ازمدت زمانی بدینسو، شبکهٔ تلویزیزنی دست اندرکاراست که برنامه های آن بزبان پشتونشر میشود، واز آغازبرنامه هدف نشراتی آن به وضاحت فهمیده میشود. در گردانندگان این تلویزیون یک نوع دستپاچگی خاص به نظرمیرسد، که گویاایشان عجله دارند، بی قرار اند و هراسان ! عجله برای چیزهای فوت شده، بیقرار برای ثبوت باطل بر حق، وهراسان از روشن شدن حقایق تاریخی وبیداری مردم . نشرات این تلویزیون مالامال ازبغض وکینه، نفاق وشقاق، زورگویی وتکبر، توهین وبدگویی دیگران میباشد، که مظهر بی دانشی وبی خبری است، ومایهٔ آتش افروزی جنگ و نفاق وبرادر کشی .

گردانندهٔ این شبکهٔ تلویزیون شخص مشهوربه اسماعیل یون است، که در تعصب ولجاجت قومگرایی و زبانگرایی شهرت بسزایی دارد. شخص دیگری بنام عثمان روستار تره کی، که هم عقیدهٔ اسماعیل یون است، آنرارهبری می نماید، ودرتمویل هزینهٔ مالی آن سهیم است. قرارشواهد، حامدکرزی مستقیماً به این شبکه پول میدهد، چنانکه یکی ازاشتراک کنندگان کنگرهٔ ملی پشتونهاکه به ابتکار تلویزیون ژوندن، اخیراً در کابل برگزارشده بود، درمصاحبه اش اظهار داشت که پول مصارف این کنگره راجناب حامدکرزی بعهده گرفته بود. در این کنگره که برای چندروزی دریکی ازهوتلهای مدرن کابل دایرشد، صد هاتن ازپشتونهای نواحی مختلف کشور و پشتونهای پاکستانی چون ستارسعادت اشتراک کرده بودند. اکثر صحبت هادرین کنگره کینه توازنه، دور ازحقیقت ودوراز انصاف بود. مثلاً دریکی ازصحبت ها، صحبتگر گفت: (عامل جنگهایی که بین پشتونها جریان دارد، تاجیکها اند، ودرهرجنگ که طالب کشته میشود، تاجیکها خوشحال میشوند، چونکه طالبان پشتون هستند !

یا بحث دیگراین کنگره میگوید: (افغانستان وطن پشتونهاست، تاجیکها، هزاره ها، ازبیکهاوسایر اقوام یاپشتون ساخته شوند، ویااین که ازافغانستان خارج شوند.) ! یکی ازمشاورین این شبکهٔ تلویزیون اکرم خپلواک است، که در کنگره صحبت کرد، وازهردو گفتهٔ بالا سرسختانه دفاع نمود. نامبرده وزیراقوام وقبایل کرزی بود، و به حدی بااقوام غیرپشتون بخصوص تاجیکها ضدیت داردکه هیچ کس کلمه ای ازفارسی از زبانش نشنیده است، واین وزارت رابه مثابهٔ پشتو تولنهٔ سابق تبدیل کرده است.

مشاور وحمایتگر دیگراین شبکه کریم خرم است، که ازبقایای حزب گلبدین است، وزمانیکه وزیراطلاعات وفرهنگ شد، بروزاول لوحهٔ این وزارت راکه بزبان فارسی نوشته شده بود، پایین کرد، و نام این وزارت رابزبان پشتوبه دیوار این وزارت که ازسنگ مرمرساخته شده، حک کرد. این عمل خرم درجهٔ ضدیت اورادر برابرزبان فارسی بوضاحت نشان میدهد، وجای تأسف است که اورا دررأس وزارت فرهنگ گماشته بودند. فاروق وردگ وقتیکه وزیرتعلیم وتربیه شدنیز عین عمل راانجام داد و لوحهٔ وزارت راکه به فارسی نوشته شده بود، پایین کرد ونام آن وزارت را دردیوار مرمرین حک کرد. فاروق وردگ سرسختانه ازتلویزیون ژوندن حمایه مینمایدوتعصب بیحدوحصردر برابرتاجیکها وزبان فارسی و سایراقوام کشور دارد. او ازمقام خوداستفاده کرده درمواد درسی کشورتغییرآورد، وبه آن رنگ ورخ نژادپرستی وقبیله پرستی داده و آنچه ازگنجینه های زبان فارسی بود، ازمواد درسی دور ساخت .

افسوس وحسرت درینجاست که حامدکرزی که رئیس جمهوربود، نیزاز شاملین این حلقه میباشد، ودرکشوری که باصدها وهزارها مشکل حاد دامنگیر است، یکی ازمجالس کابینه رابرای حمله برزبان فارسی تخصیص داد، وبرای جلوگیری ازانکشاف وگسترش آن، فرمان صادرکرد تاواژه هایی که اصلاًواژه های اصیل وقدیم زبان فارسی اند، ازتلویزیون، اخبار وسایرنشرات کشور بر داشته شود. این کار عین عملی است که هتلر فاشیست درکشورهای مفتوحهٔ خود میکرد، وروسهای کمونیست عین عمل رادرآسیای میانه کردند. هردو لوحه های دکانها، تأسیسات دولتی ومکاتب راکه به زبان اهل آن مناطق بودند، پایین کردند وآنهارابزبان خودنوشتند. حرف زدن به زبان بومی درآن نواحی جرم وقابل مجازات بود. همین استبداد درکشور ماشد، وآقای یون وهمفکران او درتلاش اندتااین چراغ ظلم واستبداد راروشن نگهدارند.

آقای یون اگرتاریخ را ورق بزنید، درمی یابید زمانیکه انگلیسها برادران دیره دونی را، که همه برای شما الگوهستند، برای برانداختن سلطنت شاه امان الله گردآوردند، اسلحه وپول ومصارف جنگی برایشان دادند، راز موفقیت انگلیسها رادرکشورهای مستعمرهٔ شان که (تفرقه بینداز وحکومت کن) بود، نیزبرایشان افشاکردند، و انگریزها برای برادران دیره دونی که دررأس شان نادربود، توصیفه کردکه اگرمیخواهید بیشتردوام نمایید، ازین فرمول استفاده کنید. برادران دیره دونی برای تحقق این سیاست، زبان پشتورا آلهٔ دست قرار دادند و ازپشتونها، بویژه پشتونهای جاجی ومنگل برای عملی کردن این سیاست استفاده نمودند. ایشان زبان پشتو رابه یک زبان تحمیلی تبدیل کردند، نام شهرها ومناطق تاریخی که به فارسی بود، به پشتو برگردانند، بالای مردم فشارآوردندکه پشتو یادبگیرند، و موج عظیم مردم کشور راکه زبان مادری شان پشتو نبود، ونمی خواستند به زور وظلم پشتو یادبگیرند، برعلیه زبان پشتو قراردادند، که این موفقیت بزرگی برای برادران دیره دونی، ومایهٔ خوشنودی انگلیسها بود.

برادران دیره دونی به این اکتفا نکرده بلکه برای عمیق شدن ضدیت میان اقوام مختلف کشور، زمین های زراعتی، باغستانها، جایدادها و حتی خانه های تاجیکها، ازبیک هاوهزاره هاراهم به زور وظلم ازنزد شان غصب کرده وبه قبایل پشتون که ازماورای سرحد دیورندبودند تسلیم کردند، واین پشتونهارا مسلح ساختند تاآنهایی راکه دربرابر این ظلم ویعدالتی مقاومت کردند، سرکوب نموده وازبین ببرند. این عمل برادران دیره دونی نه تنهاضدیت ها بلکه دشمنی و نفرت درین پشتونها، تاجیکها، ازبیکها وهزاره هاتولید نمود، که این خود موفقیت بزرگ برادران دیره دونی درتطبیق سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن انگلیس بود. بعداً انگلیسها مطمئن شدندکه این برادران کارکرده میتوانندوبه نظارت مستقیم دولت انگلیس ضرورت ندارند!

برادران دیره دونی(نادر غدار، هاشم جلاد، شاه ولی وشاه محمود) ازین حد پا فراتر گذاشتند، سران ومتنفذین اقوام تاجیک، ازبیک و هزاره را درهرهجایی که بودند، سرکوب کرده وزندانی ساختند، و قبایل پشتون بویژه جاجی و منگل را مسلح ساختند، وبرای چور و چپاول، قتل وکشتار وتعرض به حیثیت و ناموس مردم تاجیک شمالی فرستادند، تاجنایات بشری مشابه به چنگیز وهتلر نمایند. بااین کار، برادران دیره دونی، دشمنی درمیان قوم پشتون وقوم تاجیک انداختندکه برای نسلها وقرنها دوام خواهدکرد، وهرگزازصفحهٔ تاریخ زدوده نخواهد شد .

هدف ازانجام این اعمال برادران دیره دونی فقط تطبیق ومحقق ساختن سیاست تفرقه بینداز وحکومت کن انگریزهابود، که ایشان از باداران انگلیسی خود آموخته بودند، وگرنه این نوکران دون همت هیچ نوع علاقهٔ برای پیشرفت پشتونها وبهبودزندگی ایشان نداشتند، وخود حتی یک کلمه از زبان پشتونمیدانستند، چنانچه نواحی پشتون نشین ازنواحی عقب ماندهٔ کشورنسبت به نواحی دیگرکشوربود، وبیچاره پشتون های (ص ۷)

میرحسین مهدوی

کوه به کوه می رسد . آدم به آدم نه

بازخوانی «و کوهها طنین انداخت» از خالد حسینی

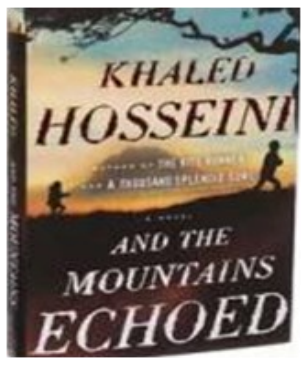

(وکوه ها طنین انداخت..)در صفحات پیشا آغازین خود سخنی از پیر بلخ را بر پیشانی خود دارد. سخن مولانای بلخ این است:(در آن سوی عقاید، در فراسوی خوبی ها و بدی ها، سرزمینی است که تو را در آنجا ملاقات خواهم کرد). این سخن پیر بلخ چون خونی در سراسر این کتاب جریان دارد. به نظر می رسد که این کتاب با این نقل قول قدم های نخستینش را بر می دارد و با همان نقل قول زیبا نیز به پایان می رسد.

کتاب و کوهها... بایک افسانه آغازمیشود. افسانه ایکه همانند آن سخن پیر بلخ جان کتاب است. دیو آدم خواری در یکی از قریه های دور افتاده ای به خانهٔ مردی می آید که پنج فرزند دارد. دیو به پدرخانواده ، بابا ایوب ، میگوید یاخودت یکی از پنج فرزندت را انتخاب کن وبه من بده تا بخورم و یااینکه من همهٔ آنها راخواهم خورد. این قصه تجسم عینی همان ضرب المثل تقریبا جهانی است که انگشتی راقطع کن تا بتوانی کل دست را حفظ کنی. قطع یک انگشت برای حفظ چهار انگشت دیگر وهمهٔ دست گاه برای عده ای یک امراجتناب ناپذیرمیشود. حالا دیو ازباباایوب میخواهدبرای حفظ فرزندان دیگرش، و صد البته حفظ خودش و همسرش، یکی از فرزندانش را انتخاب کند. این انتخاب البته که آسان نیست. نوعی اشتراک ورزیدن پدری درقتل یکی از فرزندانش به حساب می آید. بابا ایوب که درآستانهٔ جنون وجنایت ایستاده است، مجبور است که از میان این دوانتخاب تلخ یکی را برگزیند. او نام پنج فرزندش را بر روی پنج تکه سنگ هم شکل مینویسد ومیخواهد که ازروی تصادف وتفآل یکی ازآن پنج سنگ، سنگ بدبختی که صاحب نامش باید به کام دیو برود را انتخاب کند. آخرین آرزوی بابا ایوب پیش از اینکه آن پنج سنگ را در میان ظرفی بگذارد و بچرخاند و از روی تصادیکی رابرگزنید اینست که نام بیرون شده قیس نباشد. قیس جوان ترین فرزند باباایوب است، شیرین ترین ودوست داشتنی ترین شان. بابا ایوب ظرف رامی چرخاند ومی چرخاند، چشم هایش را میبندد ودستش رابه درون ظرف برده وسنگی را انتخاب میکند. پیش ازینکه چشمش را بازکند همان آرزو را تکرار می کند. خدایا این سنگ ، سنگ قیس من نباشد. چشمش را که باز می کند در میان دستش سنگی را می بیند که رویَ آن نوشته شده است : قیس !

دیو قیس را باخودمیبرد. گویاجان بابا ایوب را نیزبا خود برده باشد. بابا ایوب درمیانهٔ اشک و اندوه تنها میتواند نفس بکشد، زندگی در کامش تلخ تر از زهر و پلیدتر از دیو شده است. مدت ها می گذرد و سرانجام بابا ایوب به این نتیجه می رسد که بدون قیس زنده بودنش بی معناست. بنابرین تصمیم میگیردتارد دیو رایابد وباکشتن او قیس را برهاند. هی میدان وطی میدان، روزها وشب ها راه رفتن و میدان زدن، بالاخره بابا ایوب به دروازهٔ قلعهٔ دیو میرسد. با صدای رسا اما چهره ای خسته وخون آلود فریادمیزند که : دیو بد ذات! آمده ام تا ترا به قتل برسانم. دیو ازدیدن هیئت این مرد و شنیدن شعارش متعجب میشود. دیو میگویدچطوراین مردازمرگ نترسیده که باپای خودش تا دروازهٔ مرگ آمده است. دیو او رابه درون قصرخودمی آورد. بعدازگشت وگذار در محوطهٔ قصر او را به نقطهٔ خاصی میبرد که کمتر ازبهشت برین نیست. جایی پرازگل و زیبایی. دراین بهشت کوچک کودکانی درکمال عیش وشادمانی با هم بازی میکنند وازهمهٔ امکانات لازم برای زندگی بهره مندند. بابا ایوب خوب چشم هایش را بازمیکند تابیبندکه چه خبراست. چشمش راکه بازمیکند می بیندکه قیسش در میان آن کودکان در حال بازی و سرگرمی است. بابا ایوب گویا دو باره زنده شده باشد، فریاد می زند: قیس! قیس ! فرزند دلبند بابا ایوب!

دیو به بابا ایوب میگوید:(کسی صدایت را نمی شنود، بیهوده سر وصدا نکن) امابابااایوب باخشم وفریادمیگوید که قیس را با خودش میبرد. دیومیگوید باشد، به تواجازه میدهم که قیس را باخودت ببری اما یک شرط دارد. اگر قیس را از اینجا خارج کنی نمی توانی پس بیاوری. به آیندهٔ قیس فکر کن. به اینکه چه سرنوشتی در جهان تو در انتظار اوست. تو با بیرون کردن قیس از اینجا همهٔ امکانات رشد وشادمانی را از اومی گیری. حالا بازهم این بابا ایوب است که در میان دوانتخاب تلخ دست و پا می زند، ببرد و یا بگذارد. دیو به بابا ایوب میگوید اگرقیس را اینجابگذاری من هم کاری میکنم که تو او راکاملا فراموش کنی. و سرانجام بابا ایوب قیس را آنجا می گذارد و او را کاملا از یاد می برد، کاملا.

این افسانه به پایان میرسد وباپایان آن خواننده خیال میکند در(و کوهها طنین انداخت) دیگر از شر دیو و پری نجات یافته و وارد داستان زندگی آدم ها شده است. اما واقعیت اینست که همان افسانه به شکل بسیارغم انگیزتری در تمامی کتاب جریان می یابد. درمنطقهٔ شادباغ دخترخردسالی زندگی میکندبه نام پری که مادرش به ملاقات خدا رفته و او ازتمام داردنیا تنها یک برادر دارد، به نام عبدالله. عبدالله کمی ازپری بزرگتراست. پدرپری زن دیگری گرفته و بازن تازه اش زندگی تازه تری راشروع کرده است. از روی ناداری وبیچارگی پدرمجبور میشود که پری رابه کابل برده و به آدم خرپولی به نام سلیمان وحدتی بفروشد. قضیه به همین سادگی اتفاق می افتد. عبدالله هم با پدرش و پری به کابل میرود، شاهد فروش خواهرش میشود اماهیچکاری، تاکیدمیکنم هیچ کاری غیر ازگریه و زاری از دستش نمی آید. پری کم کم دخترسلیمان وحدتی و زن نازدانه و نازایش نیلا وحدتی میشود. پری کم کمک یادش میرود که پدری داشته و برادری به نام عبدالله. روزگارمیگذرد وسرانجام آقای وحدتی مریض میشود، مریض و زمینگیر. نیلا وحدتی که زنی به شدت خوش گذران است دست پری راگرفته و یکراست به پشت کوه قاف، نه ببخشید به پاریس میرود. نیلا و پری سر ازپاریس در می آورند وسلیمان وحدتی می ماند، مریضی وخدمت کارش، نبی. نبی هم ازقریهٔ شادباغ است و هم اوست که اسباب فروش پری را فراهم ساخته است .

پری کاملا دور ازوطن رشد میکند. سالها بعد، زمانی که پری بزرگ شده وبرای خود دوست پسر وزندگی مستقلی دارد، نیلا وحدتی خودکشی میکند. بعدازآن پری می ماندو واقعیتهای دنیای فرانسه، نه چیزی ازعبدالله میداند ونه خاطرهٔ ازنبی درذهن دارد.ازسوی دیگرعبدالله هم سرازامریکادرآورد وصاحب زن و زندگی است و نام دخترش را نیز پری گذاشته است. این پری، دختر عبدالله نقطهٔ وصل معنوی عبدالله و پری است. نه عبدالله میداند ونه پری اما در کابل آقای وحدتی چشم ازدنیای فانی بسته وهمهٔ داروندارخودرا به خدمتکارش نبی بخشیده است. البته بعدهامعلوم میشود که نبی صرفا نقش خدمتکار را در زندگی آقای وحدتی بازی نمیکرده است. این مسئله را نبی دروصیت نامه اش توضیح میدهد که اوسالها نقش (همسر) رادر زندگی آقای وحدتی بازی میکرده است. اصلا از همان روزاول، وقتی که نبی دربه دردنبال کارمیگشت و بصورت

سیدفقیر علوی — کنکورد ـ کالیفورنیا

ترجمه وتلخیص از کونترا کوستا تایمز

تقدیر از نویسندهٔ شهیر داکتر خالدحسینی

جان ستاین بک John Steinbeckیکتن از نویسندگان معروف امریکاست، که درطی سالهای ۱۹۶۸تا۱۹۸۲درشهر سان هوزهٔ ایالت کالیفورنیا بسرمی برد، درتهیهٔ رومانهای کوچک درجامعهٔ امریکا محبوبیت زیادی کسب کرده است.

برای اینکه ازین رومان نویس محبوب، طورشایستهٔ قدردانی شود، یکعهده نویسندگان شهر سان هوزه جمع میشوند، ودربارهٔ پرفروش ترین رومان درطول یک سال درامریکا، واینکه کدام یکی ازین رومان ها، مکتب و شیوهٔ جان شتاین بک را تعقیب کرده، تصمیم میگیرند. درنتیجه ازنویسندهٔ که مکتب و شیوهٔ وی رابامهارت و توانایی پیروی کرده باشد، طی محفل باشکوهی تقدیر وتجلیل صورت می گیرد.

داکتر حامد حسینی

امسال به روال سالهای گذشته، از حامد حسینی، این رومان نویس افغان، که در خلال تحریر رومانهای خویش ازمکتب نویسندهٔ امریکایی باتردستی ومهارت تمام پیروی کرده، تقدیربه عمل آمد. چنانچه به تاریخ دهم ماه سپتمبرامسال، درمرکزاتحادیهٔ محصلین در شهر سان هوزه، پروفیسر تعلیم وتربیهٔ سان هوزه درموقع اهدای جایزه به خالد حسینی گفت که : این رومان نویس افغان، به سان نویسندگان امریکایی رومان خودرا باچنان مهارتی نوشته، که خواننده را وا میدارد تابه انسانها احترام قایل شود، ودر عین حال، زمینهٔ تعمیم دموکراسی را در بین جامعه تحکیم بخشد .

ورود درین محفل نیزمقید به تهیهٔ تکت ادخال بود، چون خالد حسینی تصمیم گرفته بود که مبلغ جمع شدهٔ این محفل رابه زنان ناتوان و کودکان بی سرپرست افغان اهدا کند.

ناگفته نماند این رومان نویس که درشهر سان هوزه بسرمی برد، طی مقالات و ایراد کنفرانس ها، وضع نابسامان افغانستان رابه شیوهٔ جالبی ترسیم کرده ودراثر آن مردم این شهرهمیشه به حساب خیریهٔ خالد حسینی، که دربانک شهر افتتاح شده، مبالغی میپردازند. افزون برآن، آقای حسینی درین اواخر رومان دیگری تحت عنوان (And the Mountains Echoedکوه ها طنین انداختند) عرضه کرده، که چندین هفته درمقام پرفروش ترین رومان هابه حساب می رود .

خالدحسینی بحیث یک مهاجرجوان میگوید: وقتی به امریکاقدم گذاشتم، برای نخستین بار به مطالعهٔ رومان موسوم به خشونت ، اثر نویسندهٔ معروف جان ستاین بک دست یافتم، وباخواندن آن بحیث یک مهاجرکشور دوردست، خود را بیچاره وتنها احساس میکردم. او می افزاید که مانند نویسندهٔ کتاب (خشم انگور) The Grapes of Wrathدربحران افغانستان، همه را ازدست دادم .

درینجا بی موردنیست یادآورشوم که اتحادیهٔ مستقل کتابفروشان کالیفورنیای جنوبی هرهفته پرفروش ترین آثار رابااسم رومان هاو تحقیقات علمی بهتر، دراختیار روزنامه ها قرارمیدهد.

(البته دوستان افغان خبردارند که نخستین رومان آقای داکترخالد حسینی با عنوان(The Kite Runnerگدی پران باز) طبع شد، وبه حدی جالب بود که از آن فلمی نیز تهیه گردید. کتاب دوم وی باعنوان A Thousand Splendid Suns انتشاریافت، که تاماه سپتمبر پارسال سی وهشت ملیون جلدآن دوکتاب در امریکا وسایرکشورهابه فروش رسید. این نویسندهٔ ارجمند هموطن، تحصیلاتش رادررشتهٔ پزشکی درامریکا به اتمام رسانیده، وسال هابه حیث داکترداخله به مریضان کمک نموده، تا صحت شان راباز یابند. درعین حال داکتر حسینی، از سوی سازمان ملل به حیث سفیرحسن نیت برگزیده شده، و ازسوی آن سازمان به کشورهای افریقایی اعزام گردیده است. باید افزود که وی یک سازمان غیر انتفاعی برای یاری رسانی به زنان ناتوان و کودکان بی سرپرست افغانستان را بنیاد گذاشته، مرتباً به ارسال کمکهای بشری به داخل کشورپرداخته، وخودنیز زود زود برای سرپرستی بنیادخالد حسینی به افغانستان سفرمیکند.

Khaled Hosseini, best-selling author of 'The Kite Runner,' is a UNHCR's Goodwill Envoy. Hosseini has kept a spotlight on Afghanistan's continuing refugee crisis.
The Khaled Hosseini Foundation
4848 San Felipe Road, #150-221
San Jose, CA 95135 info@khaledhosseinifoundation.org

امیدوارم معلومات بالا مورد استفادهٔ خوانندگان ارجمندجریدهٔ امید قرار گیرد.
س ع) /.

****

تصادفی دروازهٔ آقای وحدتی رانیز کوبیده بود، به دلیل روی خوش و زیبایی اش استخدام میشود. نبی که درآنزمان پسربچهٔ زیبارویی بوده، کم کمک در زندگی آقای وحدتی نفوذمیکند و درآن جایگاه ویژه ای می یابد.

سرانجام پری و عبدالله، این برادر و خواهر افسانوی به هم میرسند، در کالیفورنیا، اما عبدالله دیگرعبدالله سابق نیست وبه دلیل بیماری قادر به شناختن پری نیست. عبدالله عمری را درحسرت این روز زندگی کرده است، عمری در فراق خواهر دوست داشتنی و گم شده اش اشک ریخته است. عمری را پری پری گفته است ولی حالا که نوبت دیدار فراهم گشته، حالا که پری با پای خودش آمده، عقل و هوش عبدالله به سفر رفته است. عبدالله نمی داند که پری کیست، عبدالله نمی داند که پری چیست .

کل قصه تقریباهمین است. قصه باهمان افسانه شروع میشود، افسانه دیو وبابا ایوب. بابا ایوب قیس را دربهشت دیومیگذارد ومیرود. هم باباایوب میرودوهم نام ویاد قیس از ذهن بابا ایوب. پری نیز شادباغ وفقرکمرشکنش رارهامیکند و به بهشت کوچک آقای وحدتی در کابل میرود. بعدهم برای همیشه به بهشت پاریس میرود. این بهشت رفتن اماهمه چیز را ازیاد اومی برد. دیگربابا ایوبی نیست تابه خاطر دوری پری شب و روزگریه کند. تنها عبدالله است که دلتنگ پری است اماخودصاحب زن وفرزند وزندگیست. اگر اوزندگی را بخاطرپری به فراموشی بسپارد زندگی دست از یخن او برنمیدارد وتانفس آخراز او کار می کشد. همانگونه که دیو داروی فراموشی در کام بابا ایوب ریخت تا حتی نام قیس را نیزدیگر به خاطر نیاورد، زندگی نیززهر فراموشی را در کام پری ریخت و او در میان خوشی ها وتلخ کامی هایش درفرانسه همهٔ گذشته اش راچنان فراموش کرد که اگربخاطر وصیت نامهٔ نبی و تلاشهای آقای مارکوس نبود هیچ وقت هیچ چیزوهیچکس، حتی نام نامی عبدالله رانیزبخاطرنمی آورد.

شایدبتوان گفت که به نظرخالد حسینی رنج و(یاد) درکنارهم میآیندوخوشی وفراموشی نیز باهم. نمیتوان هم خوش بود و هم حافظهٔ خود را به خوبی به کار انداخت و همه چیز را به خوبی به خاصرسپرد. اگر رنج است، جایی که باید قدرت فراموشکاری ما به کار بیفتد و به ما کمک کند که رنج زندگی در سایه ی تلخ و ترش آنرا راحت فراموش کنیم، حافظهٔ مابا قدرت وسرعت به کارمی افتد و همه ثانیه های این تلخ کامی ها را دقیق و مشروح ثبت می کند. اما وقتی سرخوشیم و می خواهیم خوشی های خود را، شادمانی و(دنباله درصفحهٔ ششم)

داکترعنایت الله شهرانی — بلومنگتن ـ اندیانا

زمزمه های یک طبیب نامورداکتر نبی کامیار

ازدوست مهربان جناب داکترصدرالدین شهابزاده، که مؤلف کتابها میباشند، ممنونم که اثرزیبای شخصیت شهیروچهرهٔ شناخته شدهٔ وطن، آقای داکترنبی کامیار رابا عنوان (پژواک زمزمه ها) با الطاف همیشگی شان برایم فرستادند.

محترم داکترنبی کامیار اصلاً متخصص درمسلک طب میباشد، وچون شاد روان استادعبدالرحمن پژواک، دررشتهٔ ادبیات آیتی به شمارمیآید. این مجموعهٔ شعری که تراویدهٔ طبع نازک وخامهٔ دانشمندفرهیخته و وارستهٔ وطن، جناب نبی کامیاراست، هر مصرع ویت وغزلش عالمی دارد وجهانی رابه شورمی آورد. شاد روان استادحسین شهریار رامیگفتند که وی رابایست به لقب (حافظ ثانی) بشناسند، اتفاقاً اوهم درآغازبه تحصیل طب پرداخته بود. بی تردید میتوان گفت که داکترکامیار درغزلسرایی حق داردبه لقب شاه غزل وحافظ ثالث شناخته شود، چنانکه شاعرعالیقدرما استاد نسیم اسیر به مقام ادبی داکتر کامیار چنین قسم میخورد:(به شعر دلکش و رنگین کامیارقسم) . اشعار رنگین ومملو ازمعانی وکیفیت وعشق داکترکامیار، باسلاست و روانی که درایاتش به مشاهده میرسد، واقعاً انسان رابه یاداشعار ملکوتی حضرات حافظ، امیرخسرو، صائب وبیدل می برد. نبی کامیار به سان بیدل، زیرعنوان (ارژنگ مانی) گفته است :

بهارماچوتصویری سکوت اندربغل دارد نه بلبل نغمه پردازدنه گلشن گلفشانی ها

نبی کامیار یاعاشق پیشهٔ کابلی، درعشق زادگاهش کابلستان، باصائب تبریزی چنین نغمه سرایی دارد :روم دروادی کابل نشاط دل زسر گیرم

بریزم اشک خوشنودی به دامان شب تارش

نبی کامیار مخمسی دارد برغزل لسان الغیب، که مطلعش اینست :

خون چکد از آبشاران، کوهساران راچه شد
شعله ها خیزد زهرسو داشت ودامان راچه شد

پیرچنداول کابل، استادآصف آهنگ، نیزبدین قافیه درسوگ کابل جان کامیار، شعری داردکه خواندنش انسان رابه گریه میآورد. کامیار،این داکتر محبوب القلوب، گویی که امیرخسرو سلفش هم سبق باشد وبه ساز او میگوید :

نروی به راه آنکس که دلی به برندارد نشوی غریق آنکس که ز پی خبرندارد

دربارهٔ پروین اعتصامی، این راقم درکتاب (بیگم های بلندآوازه) گفته ام که باغیرت ترین شعرا درمیانهٔ مردینه ناصرخسرواست، ودر میان شعرای زن، پروین اعتصامی می باشد. نبی کامیار به روش پروین یانغمه سرای جوانمرگ جهان شرق ویگانهٔ زمانه گفته است :یا رب به کوی و برزن گیتی چه ماجراست

درلابلای هرسخنم یک جهان چراست

صوفی عشقری، کن خاطرهٔ خودرادرقسمت مناعت طبع اونوشته ام، داکتر نبی کامیار به سبک شعرمشهورتصوفی اش غزلی دار. عشقری گوید:

گرفتی چون ره مجنون زرسوایی مترس ای دل
که دایم سنگ طفلان بر سردیوانه می ریزد

نبی کامیار گوید : نیازی نیست ای مشاطه برزلفش زنی مشکی
توگویی عنبری عطری زنوک شانه می ریزد

بیت جناب کامیار مرابه یادبیت ذیل انداخت :

زفطرت جلوه ای داردجمالش ساده چون آهو
نه زلفش شانه میخواهد نه چشمش سرمه درصحرا

نبی کامیار، این چنداول زادهٔ دانشمند، به گونهٔ عروض نیمایی سرودهٔ زیبایی دارد، وقوافی بجاآورده ودر دلها عشق وطندوستی را قویتر میسازد :

اشک مردانگی ازچشم جوانمردان ریخت از فروریختن شوکت انسان شریف
جغد ویـــــــــرانه به فریاد رسید عرق ازپیکرناموس وطنداران ریخت

اثرپربها وگرانسنگ جناب نبی کامیار ازعشق آغازشده ودرعشق خاتمه یافته، وازمطالعهٔ اشعارش چنین برمی آیدکه آنجناب اشعار قاطبهٔ بزرگان ادب را باربار خوانده وبهره هابرده، وکلمات زیبای آنها راشعوری یاغیرشعوری دراشعار نایاب وباکیفیت خوداستعمال کرده است، و توگویی که درتاریخ ادبیات کلاسیک استاد با صلاحیت میباشد.

شادروان استادخلیلی درین خصوص میفرمودکه خواندن وحفظ کردن اشعارشعرا، قدرت شعرسرایی را به شاعر تولیدمیکند. واقعاً اشعارآبدار باکلمات نغز وشیرین داکترکامیار به شیوه های هندی و خراسانی بامراعات عروض وقوافی عالی، موقف عالی رادر ادب فارسی به خودگرفته است.

ناگفته نبایدگذاشت که درین اواخر دیوانهای استادیوسف کهزاد، خداوند گارهنرمعاصرمابا عنوان (من سروده هایم)، بادیوان شخصیت عالیجاه وطن داکتر کامیار، نمونه های عالی دوران ما میباشند. ناله هاوفریادهای نبی کامیار در خصوص تباهی وطن، آه وافغان خواننده رابه هفت آسمان می کشد

بوی خوش ارغوان کابل رنگ گل بوستان کابل

راقم این سطور بعداز فراغت ازفاکولته، به مدت یکسال دروزارت معارف، شاگرد روانشناسی و روانکاوی بودم، یک خواهرفرشته صفت درحسن و اخلاق بامن هم سبق شد، اسم مبارکش روح افزا بود، او مرا برادر و من او را خواهرمیگفتم، و او استادخانم من و همسرداکترنبی کامیار بود. ازقضای روزگار آن دخت نازنین وبا شرف کابل زمین، درایام جوانی بسوی جنت شتافت، وداکترکامیار درشأن وی مرثیه ای تهیه داشت که از مراثی دیگر فرق هادارد :

ای خدا آن مادر دلسوز، روح افزا چه شد
آن زن خوش سیرت وصاحبدل و داناچه شد

داکترنبی کامیار، طوریکه گفته آمد، درمحلهٔ (قرتای چنداول) چشم به جهان کشوده، البته هردو کلمه تورکی میباشند، قرتای دراصل قره تای است. ودرمیان تورکهااین نوع اسماء دراقوام به وفرت یافت میشود، قره قویونلوها، آن قویونلوها، کلته تای وغیره ازین گونه نامهاست، وکلمهٔ(دای) کوهساران هزاره های وطن، که اصلاً (تای) است به این کلمات ارتباط دارد، واین مسایل رادر کتاب (تاریخچهٔ اقوام درافغانستان) شرح داده ام. تای چوچه اسپ که نو آمادهٔ سوارباشد معنی میدهد، وچون طائفهٔ تورک سوارکاران سابقه وعلاقمند به اسپ هستند، ازآنرو بعضاً خیل هارابه یکی از(تای) های مشهور نسبت میدهند. قوم کلته تای، ذوم دای زنگی وغیره، وکذا قره تویونلوها(صاحبان گوسفندسیاه) بیرم خان خانخانان صدراعظم جلال الدین اکبر ازجمع آنهاست .

بهرصورت، چنداول درکابل ما ازنگاه فرهنگ مقام قدسی دارد، اهل همین قزلباشان از زمان حکومت احمدشاه ابدالی تاسالهای اخیر از ارکان عمدهٔ اداری وفرهنگی شاهان بوده اند، چنانچه درزمان اعلیحضرت امان الله شاه، میرزامهدی خان چنداولی، میرزامحمد ایوب خان وغلام سخی خان(پدر داکتر کامیار) قرب ومنزلت خاصی داشتند.

درکتاب(پژواک زمزمه ها) یادیوان ماندگارداکترادیب جناب کامیار، تقریظهای خوبی تحریریافته، وهریک ازدانشمندان نظریات قابل پسند داده اند. اینجانب فقط یک نظرکوچک به تقریظ جناب تیمورشاه تیموری دارم، وآن اینکه بیت(لختی برد ازدل گذرد هرکه ز پیشم ـ من قاش فروش دل صد پارهٔ خویشم) از ولی طواف کابلی نمی باشد، ومن داستان بیت مذکور رادر کتاب (مرز های همزیستی زبانها) آورده ام . این بیت چندصدسال پیش از ولی طواف سروده شده است، ومأخذ ما دیوان صائب تبریزی چاپ صفدری، و مجموعهٔ شعری (گلستان مسرت) چاپ بمبئی میباشد .(دنباله درستون۳ صفحهٔ پنجم)

داکترغلام محمد دستگیر — برومفیلد ـ کولورادو

تفکیک وقوع بعضی حوادث

در زمان مجاهدین و ویرانی کابل(قسمت سوم)

خوانندگان عزیزهفته نامهٔ وزین امید: قسمت دوم این نوشته دردو بخش درشماره های ۹۸۰ و ۹۸۱ امید نشرشد. اینک قسمت سوم را که چه واقعات در سال ۱۹۹۴ رخ داد حضور تان تقدیم میدارم:

درسال۱۹۹۴: ازشروع ماه جنوری۴۴ ۱۹۹۴م گلبدین ودوستم برای سقوط دولت استادربانی کمربستند, در۸ جنوری ملل متحدآتش بس ۲۴ساعته در خواست کرد تا مجدداً کارکنان خود را از کابل بیرون سازد, دههاهزار ساکنین کابل بسوی جلال آبادوپاکستان ویا شمال کشوربه مهاجرت سوق داده شدند, درین جنگها صدها نفرهلاک و هزاران نفردیگرزخمی شدند, ۱۰جنوری مسجد پل خشتی وپل نزدیک آن با راکت گلبدین خسارات زیادنصیب شد. ۱۲ جنوری پاکستان بعداز۱۲سال دروازهٔ سرحدتورخم رابروی پناه خواهان افغانی مسدود ساخت. در۱۳جنوری دردوطرف دریای کابل واطراف پل محمود خان جنگ بین متخاصمین روان بود, باران راکت برمیکروریان وکارتهٔ وزیر اکبرخان برشهریان کابل بارش داشت. در تگاب بعدازآتش بس ۲۴ نومبر ۱۹۹۳جنگ شروع وبرای۵۵روز دوام یافت ودر ۲۴ جنوری بودکه بازآتش بس درتگاب به توافق رسید. ۳۰ جنوری درولایت بغلان بین قوای احمد شاه مسعود ازیکطرف و طرفداران قوای مشترک گلبدین-دوستم ازجانب دیگر جنگ مشتعل کردید۴۴.

۲۱ فروری سه نفرافغان بمنظورطلب کمک غذائی برای باشندگان کابل یک عراده سرویس حامل ۷۴ شاگردپاکستان باشش نفراستادان شانرا بگروگان گرفته داخل سفارت افغانستان دراسلام آباد بردند و پناهنده شدند؛ ۲۳ فروری کوماندوی پاکستان درسفارت افغانستان داخل شده سه نفرمذکوررابقتل رسانید, روزدیگراین عمل(غیر دپلوماتیک پاکستان, بی احترامی بیک سفارت همسایه وبی تفاوتی بحیات جوانان؛ میتوانستنداز راه گفت و شنود این عمل را مدبرانه حل وفصل نمایند.) ازطرف مردم کابل تقبیح شده سفارت پاکستان در کابل مورد حمله قرار گرفت و سفارت عجالتاً بسته شد۴۴.

۸ مارچ استادسیاف وجعفرنادری که باگلبدین ودوستم متحد شده بودند شهر پلخمری را اشغال کردند وطیاره های حکومتی این شهررا بمبارد کرد,۲۶مارچ راکتها ازپایگاه گلبدین صدراعظم برمرکز شهر کابل پرتاب شدکه ۴۰ نفر را بقتل رسانیدو ۱۵۰نفرزخمی ساخت. ۳۰ مارچ محمود مستری نمایندهٔ خاص سر منشی ملل متحد برای افغانستان همرای هیأت معیتی خودبکابل آمدند و با رئیس جمهور ربانی, گلبدین صدراعظم, قوماندان احمدشاه مسعودوشیخ عبد العلی مزاری جداگانه ملاقات کردتابرای آتش بس موافقت صورت گیرد؛ بعوض گلبدین, ازهیأت استعفای استادربانی راتقاضاکرد۴۴(زیراکه گلبدین به اشارهٔ پاکستان نمیخواست یک غیرپشتون رئیس جمهور باشد.)

۱۶ اپریل, محمودمستری به مزارشریف وشبرغان سفر کردتاباجنرال دوستم نیزملاقات کندودر۲۴ اپریل باهیأت خودعازم قندهار و خوست گردید. راپور ۳۰اپریل مینگاردسه هفته جنگ درپلخمری سبب کشته شدن ۹۰۰ نفر گردید۴۴. اول می, قوای حکومتی رئیس جمهوررباني واحمد شاه مسعود وزیر دفاع, حملات افرادگلبدین را درشرق وجنوب کابل به عقب زدند و جادهٔ میوند ونواحی آن به خرابه هامبدل گشت. ۳ می محمود مستری درراه بازگشت درایران بازعمای آن کشور راجع به قضیهٔ افغانستان مذاکراتی انجام داده بعداً بروز۱۴می بطرف روم روان شد تاباظاهرخان هم ملاقات کند. درعین زمان اسمعیل خان باجلال الدین حقانی ویکعده دیگرازقوماندانها درشهرغزنی مجلسی رابرای جستجوی حل سیاسی قضیهٔ افغانستان دائر کرد که بدون کدام نتیجهٔ مثبت پایان یافت. ۴ می واحد های مربوط جمعیت اسلامی داخل درهٔ کیهان مرکزفرقهٔ اسماعلیه گردید. ۱۵می قندزکه تحت کنترول طرفداران حکومت استادربانی بود مورد حملهٔ قوای متحدگلبدین و دوستم قرارگرفت, در اوسط ماه می افراد اتحاد اسلامی سیاف که از متحدین حکومت بودند,به منظورشکستن محاصرهٔ غذائی شهر کابل برمیدانشهر وردک که تحت کنترول حزب اسلامی بود، حمله کردند۴۴.

دراوایل جون گورهای دسته جمعی ده ها نفرمجاهدین که درهنگام حملات شوروی شهیدشده بودند در هرات دریافت گردید, ۷ جون شهرهرات توسط قوای جنرال دوستم بمباران شد. ۱۶ جون اسمعیل خان والی هرات بااستادربانی وگلبدین بصورت جداگانه بمنظوردایر کردن کنفرانس صلح ملاقات کرد ودوستم در روز ۲۵ جون شهر هرات را بمبارد کردتاازکنفرانس جلوگیری بعمل آید. ۲۶ جون قوای حکومتی تحت قوماندهٔ احمدشاه مسعودوزیردفاع تپهٔ مرنجان، بالاحصار، میکروریان ووزیراکبرخان مینه راازافراد دوستم وگلبدین دوباره به تصرف درآورد وحرکت اسلامی سیاف قصردارالامان راکه خرابهٔ بیش نبود از طرفداران گلبدین متصرف شد. ۲۷ جون منشی عمومی ملل متحد افتتاح دفتراین مؤسسه را درشهر جلال آباد تاموقعیکه این نمایندگی بکابل انتقال داده شوداعلان کرد. ۲۸ چون ستره محکمه تصمیم گرفت که استادربانی برای ۶ ماه دیگربوظیفهٔ خود بحیث رئیس جمهور ادامه دهد زیراکه به اساس فیصلهٔ قبلی دراین روزوظیفهٔ رئیس جمهور وصدراعظم هردوپایان میافت. رئیسَ جمهوررباني بمردم خطاب نموده گفت لویه جرگهٔ ملی بزودی دائر و رئیس جمهورانتخاب خواهدشد ودرآن موقع قدرت رابه رئیس جمهورمنتخب می سپارد. درهمین روزگلبدین برای لحظهٔ درهردقیقه دههاراکت برشهریان کابل نثارکردکه مردمان(مسلمانان) کشته شده همه اشخاص غیرنظامی بودند ؛ بدینصورت گلبدین قتل ۳۰ نفر و زحمی شدن ۴۰۰ نفردیگر رادرکریدت مسلمان کشی خود افزود. یکروزبعددرحالیکه جنگهادرکابل ادامه داشت، گلبدین بالاحصاررا که سه روزقبل ازدست داده بود بمبارد میکند, جنگها به مزارشریف سرایت کردوقوای حکومتی ۱۰۰نفراز قوای ملیشیای ازبک راکشته و ۸۰ نفر شانرا دستگیر کرد۴۴.

۱۱جولای درحالیکه رئیس جمهوررباني با منشی عمومی کنفرانس اسلامی مشغول ملاقات بود، گلبدین ۳۰۰ راکت برکابل پرتاب نمود ومنشی کنفرانس اسلامی به پاکستان عودت کرد.روز۱۷جون راپور دادشدکه درطی ۱۵روزجنگ درکابل ۲۰۰نفرمسلمانان شهید شدند. ۱۸جولای شورای عالی هرات به ابتکاراسماعیل خان آمرحوزهٔ جنوب غرب و والی هرات با اشتراک بیش از ۸۰۰ نفرازمامورین, جنرالان, استادان واشخاص بانفوذکه بیشتراز صد نفرآن ازکشورهای اروپا وامریکاآمده بودند ویاازجملهٔ قوماندانهای مقاومت بودند دائر گردیدکه تا۲۷ جولای دوام یافت, استادربانی واحمدشاه مسعود به هرات آمدند، امابه تالارجلسه اشتراک نکردند. رئیس جمهوررباني ضمن خطابهٔ درمسجد جامع هرات دربارهٔ موضوعات عمومی سخن گفته، ازاستعفای خود که قراربوددرمحضرهمه اعلان کند ابا ورزیده دوباره باطیاره عازم کابل گردید وشورا بهدف خود نرسید اما قطعنامهٔ ذیل را صادر کردند۴۴:

۱ـ لویه جرگه بتاریخ اول عقرب سال جاری ۱۳۷۳ درافغانستان دائر میشود؛ ۲ـ تصمیم گیری درامورمهم وسرنوشت سازکشوراز صلاحیت نمایندگان ملت میباشد؛ ۳ـ قطع مداخلات خارجی در افغانستان صورت گیرد؛ ۴ـ هرگونه تبعیض درکشورمردود میباشد.

پروفیسرداکترعبدالواسع لطیفی — الکسندریه ـ ورجینیا
رئیس انجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان

یاددهانی سودمند به شخصیت محترم بارک اوباما

رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا

درین مرحلهٔ حساس آغاز کارپرمسئولیت متصدیان دولت وحکومت جدید جمهوری اسلامی افغانستان، که دررأس آن محترمان داکتر اشرف غنی احمد زی وداکترعبدالله عبدالله، یک حکومت وحدت ملی را باصوابدید ایالات متحدهٔ امریکا، ونهادهای بین المللی و سازمان ملل متحد، تشکیل داده اند، به جلالتمآب شما، رئیس جمهور بارک اوباما، بااحترام یادآور میشوم که شورای عالی انجمن صلح و دموکراسی برای افغانستان، درمرحلهٔ آغازین کارتان درقصر سفید، نامهٔ خالصانهٔ باخوشبینی از انتخاب شما، وتوجهٔ مزیدتان به اوضاع عمومی ملت باشهامت افغانستان، درجریان سال۲۰۰۹ ارسال نمود، که شمادربیست ونهم جولای همان سال، پاسخ مفصلی راکه متن انگلیسی آن به امضای شخص شما درهمین شمارهٔ جریدهٔ وزین امید درج است، فرستادید، ونظریات بهیخواهانهٔ تان درمطالب آن منعکس است.

The White House
Washington

July 29, 2009

Dear Friend:

Thank you for sharing your views with me. I appreciate your perspective.

Our servicemen and women in Afghanistan have borne an enormous burden for their fellow citizens, serving with honor, and succeeding beyond any expectation. For those who have been injured or lost their lives in pursuit of our freedom, we owe them our undying gratitude.

As President, my greatest responsibility is to protect the American people. This is why I ordered a careful review of our strategies in Afghanistan and Pakistan as soon as I took office in January. After consultations with our diplomats and military commanders, Congress, the Afghan and Pakistani governments, our partners and NATO allies, and other donors and international organizations, I approved a comprehensive new strategy for Afghanistan and Pakistan in March.

The future of Afghanistan is inextricably linked to the future of its neighbor, Pakistan. Nearly eight years after September 11, 2001, the Taliban is resurgent, and al Qaeda continues to threaten our country from its safe havens in Pakistan. The goal of the new strategy is to disrupt, dismantle, and defeat al Qaeda in Afghanistan and Pakistan, and to prevent their return.

To achieve our goal, we will employ the full range of tools available to us and our international partners and Allies: diplomacy, development assistance, and military force. In Afghanistan, our assistance will contribute to a more capable, accountable, and effective government. In Pakistan, our aid will promote civilian control and stable constitutional government, as well as a vibrant economy. I encourage you to read more on this issue at: www.whitehouse.gov/the_press_office/Remarks-by-the-President-on-a-New-Strategy-for-Afghansitan-and-Pakistan.

For more information on my approach to Afghanistan, Pakistan, and other critical foreign policy issues, please visit: www.whitehouse.gov/agenda/foreign_policy.

Again, thank you for writing about an issue which is critical to our national security.

Sincerely,

درچندپراگراف تان، بعدازاظهارتشکر از انجمن، شماچنین بیان نظریات خودرا بامن درمیان گذاشته اید... بحیث رئیس جمهور مسئولیت بزرگ من همانا حفظ مردم امریکا میباشد، بهمین مناسبت، من درزودترین فرصتی که درماه جنوری به کارآغاز کردم امرصادرنمودم تاستراتژی های ما رادرقبال مسایل افغانستان و پاکستان بادقت تمام بررسی کنند. بعدازماهها مشوره بادپلوماتهای ما وفرماندهان عسکری ما، باکانگرس وحکومتهای افغانستان وپاکستان، وهمچنان باهمکاران ما متحدین ناتو وسایرکمک کنندگان وسازمان های بین المللی، من یک ستراتژی جدید رادرماه مارچ برای افغانستان وپاکستان تصویب نمودم .

عمدهٔ آن پاسخ پرمحتوای ارائه نظر محتوی نامهٔ این نموده اید: (تشکر از اینکه

آیندهٔ افغانستان بطورصرف نظرناکردنی به همسایه اش پاکستان مرتبط میباشد. تقریباً هشت سال پس ازواقعهٔ یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱، طالبان دوباره به فعالیت شروع کرده اند، والقاعده به تهدیدکشور ما ازجایگاه امن خود درپاکستان (در همان دوره) ادامه میدهد. هدف ستراتژی جدید، همانا انقراض وتجزیه و مغلوب ساختن القاعده در افغانستان ودرپاکستان میباشد، ونیز جلوگیری ازباز گشت آنها...

برای رسیدن وبرآوردن این هدف، ماتمام وسایل دست داشتهٔ خود و متحدین وهمکاران بین المللی مارابکارخواهیم انداخت، بشمول دپلوماسی، کمکهای انکشافی وقوای نظامی، درافغانستان کمک و معاونت مابه تشکیل یک حکومت بیشترلایق ومقتدر ومسئول وموثر سهیم خواهد بود...) این بودبخشی ازنامهٔ اندیشمندانهٔ شماجناب رئیس جمهور .

حال من بحیث یک شهروندفعلی ایالات متحدهٔ امریکا، که ازمدت سی سال بدینسودربخشهای مختلف وازجمله چندسالی در یونیورستی جورج تاون، وهم بحیث رئیس درانجمن صلح ودموکراسی برای افغانستان ـ که شعارآن وحدت ملی، عدالت اجتماعی، تمامیت ارضی ودموکراسی میباشد ـ باحفظ علایق وپیوندهای تاریخی وفرهنگی خود باوطن آبایی ام افغانستان، اجرای وظیفه کرده ام، آرزومندم یکباردیگر به متن آن نامهٔ تاریخی تان بذل توجه نموده، وستراتژی موثرنوی راکه درآن کمک به تحکیم امنیت وصلح وترقی وباز سازی افغانستان، وکمک به دفاع مردم باشهامت وردمندافغانستان دربرابر مداخلات خارجی ودهشت افگنان، شامل باشد، رویدست بگیرید، البته بادرنظرداشت واقعیتهای جاری کشور، که گروههای وخیم دهشت افگن و انتحاری وضدصلح وامنیت، بعدازفروپاشی القاعده، به تخریبات خود، بدتر ازسلف خود قدعلم کرده اند، که خطرپیوستن گروههای دیگرافراطی وآدمکش باآنهاموجوداست، یک اقدام عملیاتی جدی وموثر را ایجاب می کند. باعرض حرمت/

***

جایگاه تاجیکان ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

تبلیغات برضدسایر اقوام کشورمیباشند. این مگس های دورشیرینی، درصورت بروز کدام بحران، بسرعت از مملکت فرارنموده ووجیبهٔ ملی دفاع ازکشور بازهم به شانه های ستبر وارثین جهاد ومقاومت خواهد افتاد.

جای تعجب نیست که بخشی ازتلویزیونهای داخلی بااخذ دستور از مراجع جاسوسی خارجی، قبیله پرستان رابرروی صفحات، بحیث دپلومات آگاه مسایل سیاسی! به رخ مردم ، که ازهویت واقعی آنها آگاهی ندارند ویافراموش کرده اند، می کشند. این افراد راهبرد های متحجرقبیلوی رامیخواهند درچارچوب حکومت وحدت ملی پیاده نمایند. تعلقات این افراد بادشمنان وطن درطول سالهای گذشته مستحکم بوده، واز اظهارآن هم شرم نداشته اند ! یاوه گویی افرادی مانندخلیلزاد وقیوم کوچی(کاکای اشرف غنی) که درمواقع حساس درتلویزیونهاظاهرمیشوند وازداعیهٔ طالبان آشکارا دفاع میکنند، در تضاد باهمه ارزشهای ملی، ملیت های برادر درافغانستان است. سعی وتلاش آنهاهمیشه در جهت دفاع ازمنافع قبیلوی وفاشیستی است که حکومت وحدت ملی رابسوی ترکستان می برد !

حضور پررنگ ازبیکها درتیم تحول وتداوم، بارقابت های منفی در داخل حکومت، باعث تضعیف حکومت شده وسبب سقوط آن خواهدشد. آقای دوستم باسوابق یک ملیشه وعدم آگاهی علمی از مبادی حقوق وسیاست، در مقام معاونیت اول، بامانور هایی که درآن تجربهٔ فراوان دارد، استحکام وثبات حکومت وحدت ملی راباچالش های عدیدهٔ مواجه خواهدساخت .

جناح هزاره ها درهردوتیم(محقق، سروردانش) باسوابق وارتباطهای ناخوش آیند گذشت، رقابتهای ناسالمی رابوجودخواهند آورد. گرچه ظهوریک قشر تحصیل کرده وجواب درملت هزاره، مایهٔ هرنوع امیدواریست، اما برخورد احساساتی آنهابامسایل سیاسی وتنیدن آنهابا ارزشهای مذهبی، اعتقادوایمان راسخ به ولایت فقیه،چنانچه مبارزات انتخاباتی به وضوح نشان داد، میتواند این قشر تحصیلیافته وجوان را درمسیرغیر ازمنافع ملی، درجهت تأمین منافع کشورهای دیگربسیج نماید. این یکی ازخطرات جدی است که حکومت وحدت ملی به آن روبرو خواهدشد. باتأسف دیده شد که درانتخابات اخیر، جبههٔ هزاره ها، ارزشهای ملی رابه نفع دفاع ازبرنامه های قبیلوی کنار نهادند، ودرپی یک فرد متحسس ووفادار به ارزشهای قبیلوی ناآگانه گام برداشتند. این تعهدات وپیوند های شکننده، آیندهٔ خوبی نداشته وبجای ثبات سیاسی، موجب درزهای عمیقی درساختارحکومت وحدت ملی خواهدشد.

مافیای موادمخدر، فساد لجام گسیختهٔ اداری، واوضاع بدامنیتی از میراثهای شوم حکومت سیزده سالهٔ کرزی، حکومت وحدت ملی را دربرابریک مبارزهٔ ناکام قرارخواهدداد .

موجودیت افراد ونهادهایی که درتولید وصدورموادمخدر دست دارند، مانع فعالیتهای جدی دولت درین راستاخواهدشد. حتی اصرار زیاددولت در برانداختن این مهره ها اسباب برانداختن دولت رافراهم خواهدساخت . درخط مشی اشرف غنی ازمبارزه دربرابرمافیای مواد مخدر، ماهرانه گریز شده است، باپیوند تباری قاچاقبران موادمخدر که درجنوب وشرق کشور بسترمناسبی دارند، مشکل خواهدبودتا حکومت وحدت ملی یک راهبرد قاطع برای ریشه کن کردن آن اتخاذ نماید.

وقتی ازفساد گسترده ولجام گسیختهٔ اداری بحث میشود، تمام ارگان های دولت رااحتوا میکند. هم دستگاه قضا، هم درشورا وهم درقوهٔ اجرائیه، افرادی موجوداند که کنارزدن آنها درفقدان حضورنیرو های ملی ومبارز ناممکن است. حکومتی که برسه پایهٔ لرزان استوار است، به مشکل خواهدتوانست به حیات خود ادامه دهد.

صلح وثبات بحیث دوعنصرمهم دراستحکام واستمرار نظام سیاسی، درغیابت یک قوم مطرح تأمین شده نمی تواند. اشرف غنی دربیانیهٔ مطول خود، یک راهبرواضح برای تأمین صلح و مقابله بادشمنان وطن،یعنی طالبان ارائه نکرد. به قراردادکترین کرزی که اشرف غنی هم ازآن پیروی مینماید، بایددربرابر طالبان ازنرمش کارگرفته شود، ونیروی امنیتی ملی باید درسطحی ازلحاظ تجهیزات ومورال نگهداشته شود، که مقابله باطالبان وشکست قطعی آنهااز امکان بعید سازد. اراکین وخویشاوندان اشرف غنی هنوزباطالبان یکجا کله می جنبانند، ودر یک دسترخوان درارگ غذامیخورند. از منطق وتعقل بدوراست که مبارزه و مقابله دربرابر طالبان، ازشخصی توقع برده شود که بیش ازپنج هزارآنهارا از زندان ها آزاد نموده است.

باجرئت وصراحت میتوان گفت که اشرف غنی، قیوم کوچی ویک تعداد ازوکلای پارلمان همه طالب هستند، ودرحضورآنها، حکومت رانمی توان با ظرفیت هایی مجهزساخت که صلح وثبات راتأمین نموده بتواند.

فرمان اخیراحمدزی درغیرسیاسی ساختن قوتهای پلیس، ضربهٔ دیگر برای به انزوا کشیدن تاجیک هاازصحنهٔ سیاسی کشوراست. بامقرری های طالبی زیرنام تصفیهٔ ادارات، درتمام پستهای امنیتی، افرادی که باطالبان همسویی تباری و فکری دارند، گماشته خواهدشد، تادر صورت آغازقیامهای مدنی، ازعناصر فاشیستی درحکومت وحدت ملی حمایت نمایند.

چه باید کرد ؟ هجوم سیاسی وفرهنگی بالای زبان، عنعنات وسیاست تاجیک هاکه بیش ازدوسده ونیم آغازشده، ادامه یافته، امروهم بازد وبندها، توطئه ها، تبلیغات، پروپاگندها ادامه دارد. طی این مدت طولانی، ما باپوشیدن لباس یک قوم، بارقصیدن به سازیک قوم(اتن افغانی)، با استفاده ازواژه های یک قوم (پوهنتون، روغتون، زیژنتون...)، به یک ملت واحد نرسیده ایم. شرم است که وقتی رئیس یک قبیله (اشرف غنی) پیراهن و ایزار میپوشد، واسکت پاکستانی به تن میکندوشال وپتوبه شانه میاندازد، ازرئیس بانک مرکزی گرفته تا خبرنگار ونخبگان سیاسی ومحصل ومتعلم، همه ازین رسم وآئین قبیلوی پیروی میکنند.

تاجیک هابایدبه زبان وفرهنگ ولباس وعنعنات خود ارج نهند، نباید ازیاوه سرایی افرادمعلوم الحال بهراسند. بایدبه دور نخبگان خودجمع شوند وطرح تازهٔ را برتهداب مدنیت درخشان خود واقتضات عصرامروزبریزند، وخود رااز هجوم سیاسی وفرهنگی که روزتاروز ابعادگسترده رابخود میگیرد، نجات دهند.

ازعلما، سیاستمداران، اهل هنر وفرهنگ تاجیک ها التماس میکنم تا پیشنهادات رابرای اتحاد دوبارهٔ تاجیک ها، به غرض مقابله با خطرات احتمالی آینده، وبه خاطراشتراک عادلانه درقدرت سیاسی روی میزنهند. هستهٔ مرکزی این فعالیتها میتواندو کلای تاجیکهادرشورای ملی افغانستان باشد که درهفته های اخیر نگرانی های شدیدی ازبه حاشیه راندن تاجیکهادرحکومت وحدت ملی ابرازداشته اند.

به انتظار نظریات وپیشنهادات دوستان وعزیزان، این بحث درآینده ادامه خواهد یافت. /

****

چند اقدام نادرست ... (دنباله ازصفحهٔ دوم)

عـطی یک فرمان ،یکجانبه دیگری که درآن رئیس اجرایی امضای متقابل ننموده است، جناب اشرف غنی امرنموده اند که تمام والیان بحیث سرپرست اجرای وظیفه نموده وحق تقرر وتبدل مامورین را ندارند.دادگاه عالی و شورای قانون اساسی باید واضح سازند که آیا رئیس جمهوربه غیرازحالت اضطرار که به موافقت شوراصورت میگیرد، صلاحیت معطل ساختن احکام قوانین ومحدود ومحدودساختن صلاحیت هایی را که قانون به مقامات داده است دارد؟!

۷ـ نامگذاری میدان هوایی کابل به نام حامد کرزی یک اقدام به موقع نبود. نامگذاری میدانهای هوایی شارل دوگول در فرانسه و جان اف کندی درامریکا بعداز وفات این دوشخصیت صورت گرفت. بهرصورت مقایسه بین محسنات و کمالات حامد کرزی و دوگول و کنیدی و خدمات شان به ملت های خود قابل غور است تا شایستگی این نامگذاری ارزیابی شود.؟/

****

ما چه به دست آوردیم ؟ (دنباله ازصفحهٔ سوم)

وافغانستان آنرابایی میلی قبول کرد.

افغانستان درجنگ عمومی اول جهان، باوجود کشش بسوی جرمنی، ترکیه و اتریش، بیطرف ماند. درسال ۱۹۱۹افغانستان باضعیف شدن انگلستان درجنگ، نارامی های ملی درهند، جنگ سوم رابا برتانیه آغازنمود. پس ازیک جنگ کوتاه دوطرف درماه جون به آتش بس موافقت کردند. موافقتنامهٔ راولپندی جنگ راخاتمه بخشید، و افغانستان در۱۹اگست۱۹۱۹ به استقلال کامل نایدشد، وخط دیورند دوباره بصفت مرزتعیین گردید. جامعهٔ پشتونی رابه دوقسمت جدا نمود وافغانستان را ازدسترسی به بحر محروم ساخت. باحصول استقلال، افغانستان اولین کشوردرجهان بودکه رژیم کمونیستی شوروی رابرسمیت شناخت، هیئتی ازماسکو در سپتمبر۱۹۱۹برای ایجاد روابط سیاسی واردکابل شد، وموافقتنامهٔ دوستی درسال۱۹۲۱ میان دوکشوربه امضارسید.

تاریخ مدرن سیاسی افغانستان در۸ نومبر۱۹۳۳ باقتل نادرشاه توسط یک شاگرد افراطی هزاره آغازگردید. محمدظاهرشاه در سن ۱۹ سالگی به سلطنت رسیدو چهل سال پادشاه بود. ولی قدرت واقعی در قسمت زیاددوران پادشاهی او در اختیاردوعمویش، که هردوبه مقام نخست وزیری رسیدند، قرارداشت. هاشم خان تا۱۹۴۶ وشاه محمود خان تاسال ۱۹۵۵ درقدرت بودند. محمدداوودخان پسر کاکای ظاهر شاه تاسال ۱۹۶۳ مقام صدارت رابعهده داشت.

تماس دپلوماتیک افغانستان باامریکادرسال۱۹۲۲ باتقدیم اعتمادنامهٔ سفیر افغانستان درواشنگتن آغازشد. نمایندگی دایمی امریکادرکابل در۱۹۴۲ افتتاح گردید. درآغازجنگ عمومی دوم جهانی، افغانستان یکباردیگر میلان به حمایت ازجرمنی نشان داد. باتهاجم روسیه وبرتانیه برایران درسال۱۹۴۱، تمایل افغانستان به نازیهای جرمنی خاتمه یافت. افغانستان کارشناسان ودپلوماتهای جرمنی رادر اثرتقاضای روسیه وبرتانیه بابی میلی به آلمان فرستاد. افغانستان در طی سه دههٔ جنگ سرد، منطقهٔ حایل میان دوابرقدرت باهم دشمن، باقی ماند، وکمکهای اقتصادی ونظامی ازآنهابدست آورد. زمانیکه درسال ۱۹۴۸ افغانستان ازامریکا تقاضای کمک نظامی نمود، خارج مارشال وزیرخارجهٔ آنزمان امریکا، سئوال نمود: (دشمن کیست؟) پاکستان آنوقت یک متحددرحال ظهور امریکابود .

دولت اسلامی پاکستان درسال۱۹۴۷، خط دیورند رابه ارث برد. حکومت افغانستان هیچ وقت آنرایک مرزمشروع نمی شناخت وادعا میکردکه خط تحمیلی یک قدرت استعماری میباشد. افغانستان تقاضا داشت مناطق اختلافی پشتونی آنطرف خط دیورند یابه افغانستان تسلیم داده شود ویامردم آنجاکشور خودرابنام پشتونستان ایجاد بدارند. ولی مردم براساس اعلان برتانیه، رأی دادند که جزپاکستان میباشند .

افغانستان ادعای برتانیه را ردنمود، هنگام رأیگیری سازمان ملل برای عضویت پاکستان درآن سازمان درسال۱۹۴۷رأی منفی داد. از همانوقت روابط دوکشور تیره میباشد. امریکا بجای کابل، بااسلام آباد روابط نزدیک برقرارساخت. پاکستان مشتاقانه باامریکاوبرتانیه در دوران جنگ سرد روابط بسیارنزدیک داشت، کمکهای نظامی و اقتصادی وحمایت دپلوماتیکی حاصل کرد. امریکا درسال۱۹۵۴ به افغانستان گفت تاوقتیکه موضوع پشتونستان راباپاکستان حل نسازد، وسایل نظامی دریافت کرده نمیتواند. شوروی منتظرفرصت بود تااز اوضاع بهره برداری کند. بامیلان امریکا به پاکستان، شوروی به افغانستان توجهٔ بیشتر کرد. درسال ۱۹۵۰باافغانستان موافقتنامهٔ تجارت بارتر راامضاکرد. محمد داوود قراردادسه ملیون دالری سلاح راباچکسلواکیا درسال۱۹۵۵ وقرارداد سی ملیون دالری راباماسکو درسال ۱۹۵۶عقدنمود، تاتانک(تی۳۴) وطیاره های مگ۱۷بخرد. تا۱۹۷۹شوروی بیش ازیک ملیارددالرکمک نظامی ویک ملیارد ودوصدملیون دالرکمک اقتصادی به افغانستان تهیه کرد، درحالیکه تمام کمک های امریکابه ۵ صدملیون میرسید که محض۲۵ملیون دالرش کمک نظامی بود. محمدداوود باسیاست بیطرفی، هشتاد درصدبودجهٔ انکشافی خودرا از دوابر قدرت بدست میآورد، درساحات معارف، حقوق زن وغیره به مصرف می رسانید. بیش ازکودتای ثور، بیش ازیک ملیون شاگرد درموسسات آموزشی وجودداشت ودختران شامل آن بودند. دراگست ۱۹۵۹ رفع حجاب کرد، زنان ودختران خانوادهٔ شاهی وزنان مقام های بالایی دولتی راهدایت دادتادرمراسم چهلمین سالروز استرداد استقلال افغانستان بدون حجاب اشتراک ورزند.

محمدداوودبحران سال ۱۹۶۱ راباپاکستان درموردقضیهٔ پشتونستان برانگیخت. حملات قوای نظامی وقوای قومی برپاکستان صورت گرفت. حملات هوایی ازجانب پاکستان به هدایت فیلدمارشال ایوب دکتاتورنظامی برکنرانجام شد. امریکابه پاکستان طیاره های اف۳۶ تهیه کرد ومرزمیان دوکشوربسته شد، وافغانستان رابه مشکلات تجارتی گرفتارساخت. محمدداوود بدنام شدودر سال۱۹۶۳ استعفا داد. جان اف کنیدی به مارشال ایوب خان فشاروارد کرد که ازادامهٔ اختلاف صرفنظرنماید. شاه ایران پادرمیانی کرد، ظاهرشاه پروپاگند ضد پاکستانرامنع نمودودر۱۹۶۳به واشنگتن برای دیداربارئیس جمهور کنیدی رفت. پادشاه در ۱۹۶۰ فعالیت احزاب سیاسی را اجازه داد. حزب دموکراتیک خلق درسال۱۹۶۵ تشکیل شد، وبزودی به دوبخش پرچم وخلق تقسیم گردید. یک گروه خُرد مائوستی هم ایجادشد. احزاب سیاسی اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیارواحمدشاه مسعود ظهورنمودند. محمدداوودبه کمک ملیگرایان پشتون، شاگردان، اصلاح طلبان وبخش پرچم حزب دموکراتیک خلق محتاطانه عودت خود رابه سیاست وقدرت برنامه ریزی کرد. در۱۷جولای۱۹۷۳ وقتاکه ظاهر شاه دراروپا بود، طی یک کودتاختم سلطنت را وتشکیل جمهوریت افغانستان را اعلان نمود. ماسکواز کودتااستقبال کرد. محمدداوود در ۱۹۷۴به ماسکو سفر نمود، ونیم ملیارددالر کمک دریافت نمود، وتعهد کرد که فعالیتهای اقتصادی غریبهارادرشمال افغانستان در کنارمرزشوروی اجازه نمیدهد. موضوع پشتونستان رااحیاکردوبه باغیان پشتون وبلوچ محل امن درافغانستان تأمین نمود. در مقابل پاکستان ازاحزاب اسلامی که درافغانستان دست بحمله میزدند، پشتیبانی کرد.

محمدداوود که نمی خواست دلقک شوروی باشد، به ایران بخاطر کمک رو آورد. شاه ایران که پول سرشارازنفت دراختیارداشت، دو ملیارددالر کمک در دهسال وعده داد. شاه حتا اتحاد دوکشور ایران و افغانستان را زیرسیطرهٔ خود پیشنهاد کرد، وبرای تشنج زدایی میان افغانستان وپاکستان میانجیگری نمود. محمدداوود وذوالفقارعلی بوتو درسال ۱۹۷۶ به کشورهای همدیگرسفررسمی کردند. شاه ایران سه ملیارد دالر کمک به محمدداوود پیشنهاد کرد، درصورتیکه وی خط دیورند رابرسمیت بشناسد، وپاکستان کمک خودرابه ناراضیان افغانی قطع بدارد. محمدداوود قبول نمود پیشنهادشاه را مورد بحث قراردهد. شاه ایران درماه جون ۱۹۷۸ به کابل سفر کرد، محمدداوود درماه سپتمبر بخاطردیداربا کارتر رئیس جمهورامریکا، به امریکا رفت .

ازنظرماسکو، افغانستان به جانب مقابل لغزش کرد. محمدداوددر سال ۱۹۷۶حزب خلق وپرچم راغیرقانونی اعلان نمود، وتمام پرچمی هارا ازکابینه معزول ساخت ودرماه اپریل۱۹۷۷به ماسکوسفرنمود، و ازتلاشهای ماسکو در متحدساختن خلق وپرچم شکایت کرد. برژنف اخراج کارشناسان غربی رااز شمال افغانستان تقاضانمود، محمدداوود با رد تقاضای وی، ازجلسه خارج شد. ماسکومطمئن شدکه داوود تغییرجهت داده است. درماه جولای۱۹۷۷ به کمک حزب تودهٔ ایران وحزب کمونیست هندوستان، اتحادکوتاه مدت خلق وپرچم را مهندسی کرد، وزمینهٔ کودتا راآماده ساخت .

کمونیست ها درقدرت :کمونیستهای افغانستان باوجودنزدیکی با ماسکو، پیاده های فرمانبردار نبودند. دستگاه کی جی بی قادرنشد آنهارا کنترول مطلق کند، ونتوانست اختلافهای خلق وپرچم را از میان بردارد. حزب دموکراتیک خلق درمیان مردم شهری، شاگردان، حامیان حقوق زن، باورمندان مارکسیسم، هواخواهانی داشت. باآن هم روابط بین حزب دموکراتیک وماسکو بسیارعمیق و دوستانه بود. تاسال۱۹۷۸ افسران آموزش دیده درشوروی،سوم حصهٔ اردو ونیم افسران قوای هوایی افغانستان راتشکیل میدادند. اشخاص تحصیلکرده در شوروی،در دوران تحصیل به قبول نظرتلقین شده بودند، وشماری ازآنها همکار کی جی بی بودند. بصورت یقینی ثابت نیست که شوروی ازکودتااطلاع قبلی داشته، ویامستقیماً کودتا را هدایت داده باشد. گفته میشودبخاطر وقوع تسریع حادثات در کابل، کودتا پیش ازتوقع شوروی صورت گرفت .

قتل یک عضوبرجستهٔ حزب دموکراتیک افغانستان، میراکبرخیبردر اپریل ۱۹۷۸، کودتارا سرعت بخشید. کمونیستها، محمدداوود و سازمان سی آی ای رامسئول قتل وی تلقی کردند، ویک مظاهرهٔ بسیاربزرگ خیابانی رادرکابل سازمان دادند. محمدداوود واکنش نشان داد، رهبران هردو جناح، تره کی و کارمل را درروز۲۷ اپریل بازداشت نمود. افسران خلقی با بغاوت برقصرریاست جمهوری را، با پنجاه چین تانک وپوشش هوایی محاصره کردند. روزبعد محمد داوودوسی نفرازخانواده اش به قتل رسانیده شدند، وبه سرعت در یک محل مخفی دفن گردیدند.

نورمحمدتره کی مقامهای ریاست جمهوری وصدارت، کارمل معاونیت صدارت وحفیظ الله امین وزارت خارجه را اشغال کردند. خلقیهاتصمیم داشتند زودترافغانستان راتغییر دهند، مرد وزن مساوی اعلان شد، سن ازدواج برای دختران۱۶ وبرای پسران۱۸ سال تعیین گردید، وجهیزیه محدودساخته شد. دریک جامعهٔ عمیقاً مذهبی وقبیلوی، بویژه درجامعهٔ پشتونی، پالیسیهای نو توهین بودبه مردم، اصلاحات ارضی بدون دقت، حمله بردهقانان تلقی شد، گیر وگرفتهای ناراضیان صورت گرفت، ویک رژیم دهشت حاکم برجامعه گردید.

درجولای۱۹۷۸ خلقی ها، پرچمی هارا ازحکومت خارج کردند، بیرق سه رنگ به تقلید ازشوروی به رنگ سرخ تبدیل شد. ماسکواز کودتا استقبال کرد وازتره کی پشتیبانی نمود. امین درماه می۱۹۷۸ به ماسکورفت ومورد استقبال برادرانه واقع شده. کمک های نو وپروژه های جدیداعلان گردید، موافقتنامهٔ دوستی و همکاری دردسمبر۱۹۷۸ میان تره کی وماسکوبه امضا رسید. هزاران مشاورشوروی به افغانستان فرستاده شد، هیئتهای بلندپایهٔ نظامی واردکابل شدند، شمارمشاوران از ۳۵۰ نفردرزمان کودتا، تابه سه هزار افزایش یافت.

مقاومت دربرابر رژیم آغازشد، درخزال ۱۹۷۸ درهرات بلوای بزرگ به وقوع پیوست، وقوای محلی افغانی به شورشیان پیوستند. مشاوران شوروی با اعضای خانواده هایشان به قتل رسانیده شدند. شمار کشته شدگان روسی ۲۰۰نفر تخمین گردید. درحالیکه تعداد شان کمترازآن بود. تره کی تقاضای مداخلهٔ نظامی نمود، ولی شورویها مخالفت کردند. تره کی به ماسکو سفرکرد تا موضوع رابا دفترسیاسی مطرح نماید. برایش سلاح پیشرفته ومشاوران بیشتر وعده داده شد. شوروی ایران رامسئول شورش دانست، قوای هوایی افغانستان با حملات هوایی ازچهارهزارتابیست وپنج هزارنفررابقتل رسانید. درسال۱۹۹۲ ازیک قبرعمومی دوهزارجسد کشف شد.

درافتضاح هرات، تره کی قدرت را ازدست دادوبحیث رئیس پوشالی باقی ماند. حفیظ الله امین بصفت شخص قدرتمند رژیم عرض وجودنمود. امین قادر نشدخرابی اوضاع راکنترول کند، سربازان تغییرجهت دادندوانقلاب به بخطر مواجه شد. دراواسط دسمبر چتربازان فرقهٔ دهم شوروی، از ازبیکستان تهاجم را برافغانستان آغازکردند، واین شروع اشغال افغانستان توسط فرقهٔ چهل قشون سرخ بود. / (دنباله دارد)

****

کوه به کوه می رسد... (دنباله ازصفحهٔ چهارم)

و انبساط خاطر خود را به خوبی به ثبت برسانیم، یاد و یادواره نگاری در ذهن و ضمیر ما از کار می افتد .خالدحسینی خیالپرداز خلاق و روایتگر شگرفی است که صحنه ها را بادقت و وسواس وصف ناپذیری می آفریند و آنها را به زیبایی شرح میدهد. حسینی رابطهٔ قابل احترامی بین تخیل و واقعیت ایجاد میکند و ظرایف ودقایق تخیل وحوادث راهیچوقت ازچشم نمی اندازد. شرح صحنه هانه آنچنان طولانی وغیرضروری است که باعث کسالت خاطرخواننده شود ونه آنچنان موجز وخلاصه که مایهٔ سر درگمی اش. زبان در سراسر کتاب روایت گرانه، ساده و در عین حال جذاب باقی می ماند.

داستان درساحهٔ بسیاروسیعی رخ میدهد. از شادباغ تا کابل، پاریس، تینوس، کالیفورنیا و ..آدمها وشخصیتهای بسیارمتنوعی نیزدرشکل گیری داستان سهم گرفته وارزشهای فرهنگی دینی متفاوتی رابه نمایش گذاشته اند.همه این تنوع و تفاوت بامهارت خارق العاده ای در آفریدن شکل نهایی اثر نقش بازی می کنند. درخصوص زیباییهای زبانی، علاوه بر روایتگری جذاب، فلش بک (ارجاع خواننده به خارج از متن) در دو قسمت نقش بسیار برجسته باز میکنند. رجعت نخست همان حضور وغیبت افسانه درمتن واقعیت است. همان افسانه نخستین، همان سرنامه ایکه بنام پیربلخ رقم خورده هر ازچندی پا به درون متن میگذارد و ذهن و ضمیرخواننده را به خود مشغول میکند. رجعت دوم که بیشریک رجعت تکنیکی است مربوط به مصاحبهٔ نیلاوحدتی با اتین بوزتول درموردشعرو زندگی نیلا میشود. آوردن قطعه قطعهٔ این گفتگو درمیان حوادث دیگرو رخدادهای متفاوت، ازمهارتهای ستودنی آقای حسینی است. این گفتگوآنچنان درمیان حوادث دیگرشکسته شده و به عبارتی چاشنی حوادث دیگر شده که حاصل آن هم زیباییهای بیانی آن مصاحبه است وهم شرح شاعرانهٔ آن رخدادها. البته همهٔ کتاب وسراسرهیبت این قصه گری خود روایت رجعت هویتی است. نویسنده آنچنان ساده وسهل از شادباغ ومناطق مختلف کابل، نام های وطنی و ...در زبان انگلسی یادمیکندکه گویاهمهٔ قصه ها نه تنها درآن نقاط اتفاق افتاده بلکه هنوز نیز درحال اتفاق افتادن هستند، واینکه ذهن و زبان همه خوانندگان به سادگی باآن نام ها و مکانهاآشنایی وآشتی پذیرند. واقعیت اینست که افغانستان به سادگی وآرامش در میان این متن زیبا پاگذاشته و هرخواننده ای با آن چنان برخوردمیکندکه گویاافغانستان وطن بومی همهٔ آنهاست. دراین رجعت نه تنها روایتگر قصه ازغرب و از میانهٔ خوانندگان غربی اش هر ازچندی به افغانستان ونقاط مختلف این کشوربرمی گردد بلکه خوانندگان خود را نیز یکجا با خودش به سرزمین افسانه ای افغانستان می برد.

کتاب درپی نشان دادن لایه های پنهان جامعهٔ افغانی و درعین حال (ص ۷)

محمد نسیم یوسف کالیفورنیای جنوبی

شتر و چینی فروش

نقدی مختصر به نوشتهٔ محترم احسان الله مایار

درپورتال افغان جرمن آنلاین، نوشتهٔ جناب احسان الله مایار، مورخهٔ ۴/۹/۲۰۱۴ را خواندم، که واقعاً مایهٔ تأثر من شد. زیرا به عقیدهٔ من در این لحظات حساس، باید تمام دانشمندان و نویسندگان به وحدت ملی بدون درنظر داشت مسائل قومی و لسانی تأکید نمایند . طوریکه جناب شان تذکر داده اند، بلی ! (مردم معصوم افغانستان در این چهار دههٔ گذشته وضع نهایت رقتباری را سپری نموده اند)، مگر تذکرنداده اند که قبل ازین چهاردههٔ اخیر وضع این مردم بیچاره چطوربود ؟! اگر ما همه پیشرفتهای بیشمارقبل ازچهار دهه رانشماریم، صرف می توانیم بگوییم که این مردم رنجدیدهٔ ما حتی از آب آشامیدنی صحی برخوردار نبودند، که هنوز هم درهمین راستا کمک های جامعهٔ جهانی جریان دارد.

سرآغازاین بدبختیهای بیشتررانیز، که کودتای۲۶سرطان ۱۳۵۲ خورشیدی بود، یادآور نشده اند، که جناب سردارمحمد داوود به همدستی یکعده عناصر اجیر و فروخته شدهٔ چپ، آنرا به راه انداختند. دراین نوشته اشاره شده : (درسال ۲۰۰۱ میلادی، اشتباه ایالات متحدهٔ امریکا با انتخاب کسانی که دریک کنج افغانستان به نام خواجه بهاءالدین غار موش می پالیدند، آغاز میشود، و ...!)

آیا در آن زمان کسان دیگر برای دفاع از مادروطن موجود بودند ؟ که امریکا این اشتباه را نمیکرد ! امریکا انتخاب دیگر نداشت، زیرا دیگران بودند که میهن را ترک کرده ودر خارج کشور(غارموش)می پالیدند (بشمول همه رهبران جهادی) ! چرا امریکا در زمان سلطهٔ طالبان این خواجه بهاءالدینی ها (به گفتهٔ شما غلامان حلقه به گوش امریکا)، را که برای دفاع از وطن مقابل پاکستان و اجیران شان، از وجب وجب خاک افغانستان دفاع می کردند، کمک مالی و نظامی نکردتاطالبان راشکست دهند ! برعکس باکمک ملیونها دالروسلاح های نهایت مدرن، بشمول (شب بین nightvisionآنهارامجهزساخت، تا کابل را اشغال نموده و زمینه برای قراردادپایپلاین گازباکمپنی یونیکال unicalمهیا گردد !

اگراین خواجه بهاءالدینی هانمی بودند، پاکستان، افغانستان را توسط طالبان قلع وقمع نموده، صوبهٔ پنجم خودمیساخت (کانفدریشن پاکستان افغانستان) !!!

جناب محترم مایار ! اگر تعصبات قومی و لسانی در میان نیست، برای روشن شدن افکار جوانان وطن، چرا ازجریانات قبل از چهار دهه یاد نمی کنید؟ آیا در قسمت به قدرت رساندن نادرخان توسط انگریزها، که به ولینعمت خود اعلیحضرت امان الله شاه خیانت کرد، انگریز ها اشتباه نکردند ؟

اگر به تاریخ دوصد و پنجاه سال گذشتهٔ کشور نظر بیندازیم، بعد از سقوط سلطنت شاه زمان، مخصوصاً با به میان آمدن پسران سردار پاینده محمدخان، چه ظلم و ستمی نبود که بالای این ملت بیچاره صورت نگرفت ! افغانستان مانند جایداد شخصی (موروثی) بین برادران تقسیم می شد، کشورپهناوری که در زمان احمدشاه ابدالی از کنار جیحون تا رود سند، و از نیشاپور تا کشمیر وسعت داشت، به محدودهٔ کوچک جغرافیای فعلی در آمد !

آیا این کیها بودند که این توته های بزرگ را از آن پیکر بزرگ جدا کردند؟ آیا این کی ها بودند که پنجاب و پشاور و کشمیر را به رنجیت سنگهه، برای حفظ قدرت و ثروت خود فروختند؟! (مراجعه شودبه تاریخ مؤرخ شهیروطن، مرحوم میرغلام محمد غبار(افغانستان درمسیر تاریخ) و کتاب مرحوم سیدقاسم رشتیا(افغانستان در قرن نزده) . آیا فیصله دیورند انگریز را کی ها پذیرفتند؟ که تاحال منحیث زخم ناسور باقیمانده است ؟!

پس، آقای محترم مایار ! خواجه بهاءالدینی ها نه تنها کار بدی نکردند، بلکه افغانستان را از تسلط پاکستان و دست نشاندگان شان نجات دادند، از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی افغانستان دفاع نمودند، و یک بلست خاک وطن را هم به بیگانه نفروختند .

امادیگران شتر رابا چینی هافروختند ، وتا امروز فروخته میروند ! حیف !/

****

برسرقبری گریه کردیم ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

اونه تنها طالبان ودشمنان کشور راتقویه کرد، بلکه ناسیونالیسم کورقبیلوی را حمایت واز دزدان نکتایی پوش کابینه اش حمایت کرد. ازیکطرف تعداد شاگردان مکاتب ودانشگاهها رابطور سرسام آور ازدیادبخشید اما ازتهیهٔ کتب، وسایل درسی وتربیه وتدارک استادان ابا ورزید. بدین وسیله آیندهٔ کشوررا به خطرناکترین مسیر رهنمونی کرد . بالاخره یکی ازجنایات غیرقابل عفو کرزی این بود که درپروسهٔ انتخابات دموکراتیک، بیطرف باقی نماندونه تنها یک کاندید را حمایت کرد، بلکه به کمک او وکمسیون انتخاباتی او، رسوایی تقلب در آرای مردم فاش شد. ازنظرحقوقی، این عمل اویک جنایت است، وباید ازطرف مردم افغانستان محاکمه می شد.

چهارم، مردم افغانستان : درسیستم های دموکراسی یعنی حکومت مردم، مردم نیست به حکومت، مسئولیت بیشتردارند، زیراحکومت تنها نمایندهٔ مردم میباشد. مردم افغانستان درمدت چهارده سال گذشته چندین بارکرزی رابا پشتاره گرفتار کردند، اما او راازوظیفه اش برکنارنکردند. نمایندگان مردم میعنی مجلس پارلمان درین مورد کوچکترین اقدام قانونی نکرد. سئوال درینجاست که درین چهارده سال، چرامردم حامدکرزی رابدلیل خیانتهای روشن وی محاکمه نکردند؟ آیا اکثریت نمایندگان مردم درپارلمان ازقدرت دموکراتیک که قانون اساسی به آنها داده است، اطلاع دارند؟ درین مورد شک دارم .

پنجم، دین افراطی : دین افراطی همیشه چون حشرات وخزندگان زهردار در سیستم های اجتماعی، سیاسی ومدنی ملت هارخنه کرده و حتی به دین اسلام حقیقی اهانت کرده است. درتاریخ افغانستان، این گروه شاه امان الله رامتهم به کفرنموده وباانگلیسهاهم پیمان بوده اند. دردورهٔ دوم انتخابات کرزی درکابل، آقای صبغت الله مجددی در یکی ازبیانیه های خود گفت: (دیشب زیاداستخاره کردم وعلایمی ازطرف خداوند برایم رسید که باید مردم به حامدکرزی رأی دهند.) این بیانات او در نشریهٔ معتبر امید نشرشده است. در دوردوم شمار آرای مردم درمورد داکترعبدالله وداکتراشرف غنی، مجددی گفت که چون صدها سال رهبراین کشورپشتونهابوده اند، ضرورت به شمار آرای مردم نیست وباید همه بگذارند آقای داکتراشرف غنی رئیس جمهورشود !

اشرف غنی احمدزی چندروزقبل گفت: (برای اینکه بامردم افغانستان همیشه در تماس باشم، فاصلهٔ بین ارگ ومسجد راکوتاه می سازم) ! اشرف غنی علم جامعه شناسی خوانده ومیداندچطور از راه سحر، جادو وافسونگری، اهداف شخصی خودرا برجامعهٔ مظلومی به کمک معامله گران دینی پیاده کند. عالمی میگفت: (دین برای مردم عوام یک حقیقت است، برای دانشمندان ومتفکرین تقلب است، وبرای سیاستمداران ابزارمفیدی است.) البته جملهٔ اخیرآن کاملاً صدق میکند. درهرکشوری دیده ایم که مذهبیون برای بدست آوردن پول ومقام، نقاب دین افراطی وکاذب رامی پوشند، وسیاستمداران خائن وبی کفایت از طریق همین ملاهای خبیث افراطی، اهداف غیراخلاقی وغیرانسانی خودرا بر جوامع بشری تطبیق میکنند. وقتی محمدابن عبدالوهاب رهبرطریقهٔ وهابی باملک سعود عربی قرارداد وپیمان همکاری راامضامی نمود، رهبر عربی شرط اساسی را درین گذاشت وآن این بود که طریقهٔ دینی وهابی همیشه باید در

تقاضای حمایت از «امید»

خوانندگان ارجمند امید آگاه اندکه، دردو سه سال اخیر، بویژهٔ ماه های اخیر، به بن بست تأمین هزینهٔ چاپ وارسال به مشترکین گرامی مواجه بوده است. به همین سبب، یکتعداد مهربانان وعلاقمندان ادامهٔ انتشاراین جریده، ازماههای اپریل ومی و جون سال پیش، ماهانه مبلغ بیست دالر را، بعضی ماهانه، تعدادی ششماهه وشماری هم سالانه بعنوان اعانه به امیدکمک کرده اند. مشترکین گرامی نیزافزون بر مبلغ اشتراک ششماهه یاسالانه، باارسال مبلغی درحدتوان، از این جریدهٔ خویش دستگیری فرموده اند.

درسه ماه اخیر، عدهٔ زیادی ازمحبان شاید بنابر مصروفیت یا فراموشی، درارسال اعانات شان تأخیرصورت پذیرفته است. به این ذریعه به اطلاع این عزیزان رسانده میشود، که امید به مشکلات جدی مالی مواجه بوده، و اخیراً یکی ازآخرین اعلاناتش راکه یک چهارم صفحه بود، نیز بنابر مشکلات صاحب اعلان، از دست داد .

امیداست، عزیزان دوستدار این جریده ، باسخاوتمندی ومهربانی، هرچه زودتر چک اعانات شان را در وجهه (امیدویکلی) بفرستند، و ادارهٔ امیدرا منتدار لطف وکرم شان گردانند. اداره

****

ششم، بالاخره چند کلمهٔ درمورد دو کاندید اخیر، یعنی داکتراشرف غنی و داکترعبدالله : رهبریت یک کشوروظرفیت علمی واخلاقی او درانکشاف حیات مدنی واقتصادی کشورش نقش مهمی دارد. رهبران بزرگ وشایسته بنیاد وتهداب محکمی درانکشاف وپیشرفت مردم شان گذاشته اند، وازطرف دیگر پادشاهان وحکمرانان خاین و وطنفروش برای استمرار وحفظ سلطنت خود یااز دکتاتوری، قتل و شکنجه ویا تبعید وحبس نمودن مردم خود اقدام نموده اند، یا با خارجیان پیمانهای ضدمنافع کشورشان بسته اند، وهم ازدین کاذب علیه مردم استفاده کرده اند. افغانستان کشوریست که مردم آن با چنین شیادان واعمال شیطانی شان آشنایی کامل دارندودرین راه قربانی های فراوانی داده اند.

درمورد داکتراشرف غنی احمدزی، بامطالعهٔ شخصیت وایدلوژی آن باوجودی که شخص تحصیلیافته میباشد، امامؤسس تقلب درانتخابات نیز هست، تعجب ندارم . تنهادرس خواندن درمکتب ودانشگاه ضامن تولید یک شخصیت پاک دامن، صادق، وطنپرست وعادل شده نمی تواند. اما دربارهٔ داکترعبدالله، که عنوان این مقاله درمورد اوصدق میکند، چندنکته را باید بعرض برسانم : من و باقی همکاران قلمی نشریهٔ معتبر امید، به حمایت ازشخصیت، دفاع ازوطن، خدمت به مردم و اخلاق وکرکتر او زیادنوشته ایم. اما محک تجربه است که ماهیت و جرئت اخلاقی افراد را بارز میسازد، ودرشرایط سخت ودشوار آزمونش می کند. باکمال تأسف آقای داکترعبدالله ازین تجربهٔ اخیر موفقانه بیرون نیامده است.

سئوال مهم من ازداکتر عبدالله آنست که وقتی بعدازشماردور دوم آراء مردم، تقلب واضح به ثبوت رسید، وخودشخصاً اسنادومدارک این تقلب راکه تیم داکتر احمدزی بکمک کرزی مرتکب شده بودند، دردست داشت، چرا در اخیرحاضرشدبایک حکومت متقلب حاضربه همکاری شود ؟ خصوصاً وقتی داکترعبدالله اعلان کردکه چون درشمار آراء تقلب شده است، درهیچ صورت حاضرنیست نتایج آنراقبول نماید. اما بعد ازصحبت باآقای اوباما و وزیرخارجه اش آقای جان کری، موافقه کرد ازانتخابات دموکراتیک صرفنظر ویک حکومت اتحادملی(براساس تقلب) راقبول نماید. داکترعبدالله متن گفتارخودرا باسیاستمداران امریکا به مردم خودفاش نکرد. نیویارک تایمزنوشت: (داکتر عبدالله موافقه کردتابرندهٔ انتخابات اعلام شود، اماشمارآرای مردم برای هرکاندید اعلان نگردد.) اگراین جمله حقیقت باشد، بدترین سندتاریخی علیه داکترعبدالله میباشد.

من چنین نظریه دارم که داکترعبدالله نسبت نداشتن جرئت اخلاقی ازپیوستن به یک حکومتی که خودآنراغیرقانونی وتقلبی میدانست، امتناع نورزید. علاوتادر جواب سئوالی که چراپیوستن دریک حکومت تقلبی راقبول کرده است، جواب مضحکانهٔ ارائه کرد و گفت: (اینکاررابخاطری کردم تاازقتل و خون ریزی جلوگیری کنم.)!قتل وخونریزی برای چه؟ جناب شمابه مقابل تیم داکتر اشرف غنی شمشیرنمی کشیدید وعملیات نظامی نمی مکردید. اماحق ووظیفهٔ قانونی شمابودکه باحمایت ازپروسهٔ دموکراسی، برشمارآرای تقلبی فریاد اعتراض بلندمیکردید، ومیگذاشتید امریکا هرچاکری راکه میخواست، درارگ سلطنتی جا می داد .

جناب داکترعبدالله ! آیاهمکاری وشرکت شمادریک حکومت غیر دموکراتیک وتقلبی، که خودبه غیرقانونی بودن آن ایمان داشتید، به معنی گرفتن به اصطلاح دهن جوال با دزد نمیباشد؟ شمانه تنها اشتباه بزرگی کردید، بلکه به مردم خوداهانت روا داشتید. به آنعده مردم مظلومی که درسرمای شدید زیرباران بالباس ژولیده وکهنه و شکم های گرسنه باترس ولرز، باحمایت از قانون ودموکراسی برای شما رأی دادند، به آنهایی اهانت کردیدکه بخاطررأی دادن به شما بعضی ها مورد لت وکوب قرارگرفتند، بعضی به شهادت رسیدند و بعضی هاانگشتان شان ازطرف طالبان قطع شد. آنهاسالها ازشماحمایت کردند و آرزو داشتند شمانماینده وروزنهٔ امیدآنهاباشید، آنها گریه کردند برسر قبری که درآن مرده ای نبود !

با افتادن درکان نمک داکتراشرف غنی، کرزی ودیگردشمنان وحدت ملی ومردم افغانستان، شما بانداشتن جرئت اخلاقی، اعتبار و کریدت خودرا درحلقه های مردم وطنپرست افغانستان ازدست دادید. حرف حقیقت درمورد هرکه باشد، باید گفته شود. /

****

تلویزیون ژوندون ... (دنباله ازصفحهٔ سوم)

عادی که خانزاده نبودند وبه خانواده هاییکه بابرادران دیره دونی همدست بودند، تعلق نداشتند، درشهرهای کشور بخصوص کابل وجلال آباد دست به گدایی بودند. ازجانب دیگراعمال برادران دیره دونی چون تحمیل زبان پشتو بالای اقوام دیگر، جبری ساختن فراگیری این زبان توسط سایر اقوام، تغییر دادن نامهای محلی، مثلاً تغییردادن سبزوار، که تاریخی وبا افتخاربود، به شیندند، وتغییردادن بوینه قره به پشتون زرغون، تغییردادن شفاخانه به روغتون و زایشگاه به زیژنتون وصدها ازین نوع تغییرات، که همه ازآن آگاهند، ودرمقالات دانشمندان گرامی داکترفرید یونس وداکتر سنزل نوید منعکس شده، ودر جریدهٔ امید نشرشده اند، لطمهٔ شدیدی برزبان پشتو وارد کرد. این عمل استبداد گرایانهٔ برادران دیره دونی، سبب شدکه زبان پشتو، که من ازجملهٔ دوستان آن بحیث زبان یک قوم کشور، و نه بحیث زبان استبداد و ظلم، میباشم، ازرشد وانکشاف طبیعی اش بازماند، وبحالت تجردقرار گرفت. صدمهٔ که برادران دیره دونی به این زبان رسانیده اند، به حدی ثقیل است که احیاء مجددآن ناممکن بوده، احتمال فوت و خاموشی آن درسایرنواحی کشور، بجز مناطق پشتون نشین، میرود. چنانکه پشتونهای ناقل که توسط برادران دیره دونی جبرادر نواحی تاجیک وازبیک نشین کشورجابجا شده اند، برفرزندان خودفشارمی آورند که پشتو صحبت کنند، حتی آنهاراتهدید مینماید که بایدپشتو صحبت

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر- یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر - یکسال (۱۱۰) دالر

سایرکشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر- یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly
P.O. Box 30818
Alexandria, VA 22310
Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604
Email: mkqawi471@gmail.com

۱ـ هوش کنی بچیم که امانتهابه دست بیگانه هانفته ! دیدی که مه به چه نیرنگ و فریب ازچنگ حریف نجاتش دادم !

۲ـ بچهٔ خر! بی خارباش بیخار! میگن دختر مادرخوده کارخیر یادمیته، حالی تو آمدی مره نصیحت های پدرانه می کنی !

۳ـ نی نصیحت پدرانه نبود، فقط یک هشدار بود.

۴ـ میگم بیغم باش بیغم ! کس طرفش تیز سیل کنه، جنرال طاقت چشم هایشه خات کشید !

عدهٔ از روشنفکرنماهای غرب زده ازتقلب وجعلکاری درانتخابات ریاست جمهوری افغانستان اظهارنارضایتی کرده آنراخلاف اصول وپرنسیپهای دموکراسی وجامعه مدنی میدانند، به زعم آنها بایست یکشبه ره صدساله طی شده و فورا انتخابات شفاف وآزاد جاگزین خشونت وکودتای نظامی برای تعین زعیم سیاسی کشورمیگردید. غافل ازآنکه میان فصل خشونت تامرحله انتخابات شفاف فاصلهٔ خیلی دراز وپرمشقت قراردارد که جامعه شناسان آنرابه چندین مرحله تقسیم بندی کرده اند که ازمرحله تقلب گوسفندی آغازشده وبه تقلب بزی و بعدا تقلب فیلمرغی وبعدا تقلب مرغی و بالاخره به تقلب گنجشکی رسیده تابه مرحله بی تقلب وانتخابات شفاف و آزاد خاتمه می یابد .

حالا اگرهرکدام ازین مراحل بطوراوسط مدت دهسال رادربربگیرد، پس بعد از سپری شدن شصت تا هفتاد سال آینده یعنی گذشت یک نسل افغانستان تازه به مرحله انتخابات آزاد و شفاف خواهد رسید .

قوانین طبیعت راکه قوانین حاکم برجوامع انسانی هم جز ازآنهاست نمیتوان به زعم خویش تغییرداد، مثلیکه با پوف کردن ویاپکه کردن به زیردیگدان هم نمیتوان تغییری در زمان لازم برای پختن غذا به وجودآورد،پس بجزصبروتحمل برای سپری شدن مراحل فوق الذکر چاره دیگری وجود نخواهد داشت .

حالا بادرنظرداشت قانونمندیهای فوق فقط میتوان برحماقت روشنفکرنما هاییکه بر تقلب گوسفندی ملا اشرف غنی انگشت انتقاد بلندمیکنند سخت خندید و از خجالتماب کرزی، جناب ملااشرف غنی ودست اندرکاران کمسیون متقلب انتخابات صمیمانه اظهار قدر دانی وسپاسگذاری کردکه بااین ابتکارعالمانه شان سنگ تهداب جامعه مدنی وانتخابات شفاف وآزادراگذاشتند، که اگرنسل ماکار را با تقلب گوسفندی آغازکرد ولی به یقین کامل که نسل آینده ما آن را به مرحله تقلب گنجشکی تکامل داده و روزی شاهد برگزاری انتخابات شفاف و بدون تقلب خواهند بود. باتقدیم حرمت، حقـ(شمس الحق)ـانی

****

کوه به کوه می رسد ... (دنباله ازصفحهٔ ششم)

وجودقضاوتهای جذمی وقطعی براساس پیشداوری های اخلاقی- اجتماعی است. پری وحدتی با نیلا وحدتی به پاریس میرود ، بااین تصورکه با مادرش زندگی میکند. اما نه تنها نیلا مادراو نیست که حتی خوداونیزپری وحدتی نیست.مردم تصورمیکنندکه نبی خدمت کارآقای وحدتی است وکسی حتی شک هم نمیکندکه یک گرایش هم جنس بازانه آقای وحدتی را به نبی نزدیک کرده است.

باهمهٔ این حرف ها، به نظرمن حس جستجوگری خواننده بسی بیشتر از عبدالله است. عبدالله در پی یافتن پری است اما خواننده به درستی نمی داند که دقیقا به دنبال چه چیزی می گردد. یک حس غریبی خواننده را برای همیشه به جستجو وا میدارد و با کشف حوادث و مسایل زیادی این حس، این حس زیبا وظریف ازبین نمی رود. شاید همین حس جستجوگری درجهانی که ازشادباغ شروع شده وتا پاریس وکالیفورنیا ادامه یافته، باعث میشودکه خواننده همچنان خواننده ، همچنان جستجوگر باقی بماند . /

****

نمایند ! درحالیکه برای شان زبان محلی آن مناطق آسانترمی باشد وتوسط آن بهترمیتوانند اظهارنظرنمایند. درحالیکه برای شان زبان محلی آن مناطق آسانترمی باشد وتوسط آن بهترمیتوانند اظهارنظرنمایند.

من سالیانی درین اندیشه بودم که چرا وطن من ویران است، وچرا درآن برادرکشی است؟ درحالیکه الحمدلله همگی مسلمان اندوآواز الله اکبرهمواره درسراسرکشورازمناره های مساجد بگوش میرسد. با خودمیگفتم که چراملت یکپارچه نیست؟ چراوحدت ملی وجود ندارد؟ چراوطن ومردم رفته رفته هویت خودراازدست میدهند، استقلال وتمامیت ارضی آن ازدست میرود؟ و جواب آن جزاین نیست که: این تفرقه ودشمنی را برادران دیره دونی به میراث گذاشته اند !

دروطنی که برمردم فشار بیاورندکه ازهویت خودبگذرد، ویابه زور هویت شانرا تغییردهند، مثلاً هزاره بگویدمن هزاره هستم، اما برایش بگویند توهزاره نیستی، افغان هستی ! وبه تاجیک بگویندتوتاجیک نیستی، افغان هستی ! وبه ازبیک بگویند تو ازبیک نیستی، توافغان هستی! ، درحالیکه واژهٔ افغان به یک قوم کشور اتلاق میشود، که آن پشتون است، واین مسأله ازنگاه تاریخی هم ثابت شده است، پشتونها رادرنواحی شمال وغرب کشور، که تاجیک وازبیک نشین است، (اوغان یا اوغو) میگویند، ودربخشهای جنوبی وشرقی کشور که پشتون نشین است، پشتونهاراپشتون یاپختون ویا پختانه میگویند.

درکشوریکه زمین وباغ وخانهٔ مردم راغصب کنندو (دنباله درصفحهٔ پنجم)

خاطرات استادان وشاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه وخاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه باعکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاًهرچه زود ترشرح حال وسرگذشت وخاطرات خودرابه آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تاآخرماه نومبر ۲۰۱٤ ارسال دارند.

تلفون ٤٦٠٤ـ٤٣٥ـ ٥٧١
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

Omaid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 23, Issue No. 983 , October 8, 2014, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
P.O. Box 30818, Alexandria, VA 22310 U.S.A.

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

کتاب (یادداشتهای استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری وآقای افضل ناصری،به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانندیک نسخهٔ آنراز مرجع ذیل بدست بیاورند :
Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, $19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

PHONE # (510) 792-2629 | BANK OF AMERICA | ACCT # 06636-74303

خانواده های فقیر و بی پناه در افغانستان چشم براه کمک های شما هستند.

بنیاد پناه
PANAH
CHARITY FOUNDATION

PANAH CHARITY
P.O.BOX 3131
SAN RAMON, CA 94583
www.panahcharity.org
rbenish@panahcharity.org
501c (3)

نمایشگاه تصاویر بنا های تاریخی افغانستان در ایتالیا گشایش یافت

۱۳اکتوبر/فلورانس ـ باختر: نمایشگاه تصاویربناهای تاریخی افغانستان که با کمک مالی و فنی ایتالیاباهمکاری یونسکو ترمیم شده است، دیروز عصر با سخنان داکترسیدمخدوم رهین سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ درحالیکه شهردار شهرفلورانس،مسئولان یونسکو ، وزارت خارجه ایتالیا وباستان شناسان کشور های مختلف حضور داشتند، گشایش یافت. این نمایشگاه که درحاشیه سومین گردهمایی جهانی، بااشتراک تعدادی از وزرای فرهنگ، مدیرعمومی یونسکو وشخصیتهای علمی و کارشناسان کشورهای اروپایی زیرعنوان فرهنگ وصنایع فرهنگی دایرشده است، مورد توجه خاص بینندگان قرارگرفت.

درحاشیه این گردهمایی سرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ با وزیر فرهنگ ایتالیا داریو فرنیجیگینی دیدارنمود وازکمکهای آن کشوردرعرصه فرهنگ به افغانستان اظهار قدردانی کرد. دردیدار بامدیرعمومی یونسکوخانم ایرنابوکووا، نیزسرپرست وزارت اطلاعات وفرهنگ درباره وضع خطرناک منارجام که دیوار استنادی آن براثرسیلابهای اخیر صدمه برداشته توضیح داده خواستار همکاری عاجل یونسکو شد.

مراسم گشایش بامیان به عنوان پایتخت فرهنگی سارک در اپریل ۲۰۱۵ انجام خواهد شد

۲۶ سپتمبر/دهلی نو ـ باختر:سومین نشست وزرای فرهنگ سارک با حضور داکترسیدمخدوم رهین وزیراطلاعات وفرهنگ دیروز درشهر دهلی جدید بر گزارشد. درآغازاین نشست، شریبت نایک وزیر فرهنگ هندضمن خوشآمدید وزرای فرهنگ سارک گفت فرهنگ نقش مهمی درتوسعه یک ملت ایفا و مجموعهٔ از ارزشهای مرتبط به تاریخ، فرهنگ وسنن جوامع رابه معرفی میگیرد. اوافزود جنوب آسیا از لحاظ فرهنگ و قدامت تاریخی جایگاهٔ ویژه در منطقه دارد و هند متعهد به همکاری با کشور های جنوب آسیا است.

داکترسیدمخدوم رهین وزیراطلاعات وفرهنگ طی سخنرانی، ضمن تشکراز هند درخصوص میزبانی سومین نشست وزرای فرهنگ سارک، ازمرکز فرهنگی سارک نیز ازبابت انتخاب بامیان بحیث پایتخت فرهنگی کشورهای جنوب آسیا درسال ۲۰۱۵ سپاسگزاری کردوآنراگام مهمی درجهت معرفی داشته ها و ارزش های فرهنگی افغانستان بویژه بامیان دانست.وی ضمن صحبت درخصوص وضعیت نهادهای فرهنگی هنری درافغانستان وپیشرفت هایکه در طول سیزده سال اخیردرین زمینه بعمل آمده، ازبرخی چالشهای موجود فرا راه فعالیتهای فرهنگی هنری وحفاظت ازمیراث فرهنگی درافغانستان نیز یادآورشده افزود درحدود ۱۲۰۰ آبده تاریخی درکشوردر معرض خطر قرار داشته و جداً نیاز به حفاظت دارد.

درین نشست بربنیاد پیشنهادهیئت افغانی، مراسم گشایش بامیان بحیث پایتخت فرهنگی سارک درماه اپریل سال۲۰۱۵ از سوی وزرای فرهنگ سارک مورد تائید قرارگرفت.قابل ذکرست که درحاشیه این نشست داکتررهین درحالیکه سیدمصدق خلیلی معین فرهنگی او و شیدا محمد ابدالی سفیرافغانستان مقیم هند ایشان راهمراهی میکردند، تفاهمنامه همکاری میان آرشیف ملی هند و آرشیف ملی افغانستان رابا همتای هندی اش امضاء کردند.

مامورین دولت درنیمه دوم ماه میزان معاشات شانرادریافت خواهند کرد

۲۸سپتمبر/کابل ـ باختر: وزارت مالیه دراعلامیه مطبوعاتی گزارش آژانس رویترز مبنی بر تاخیر در پرداخت معاشات مامورین دولتی را رد نمود.درین اعلامیه مطبوعاتی وزارت مالیه بخاطر رفع تشویش کارمندان دولت اعلام داشته که هیچگونه تاخیردرپرداخت معاشات مامورین دولت رخ نخواهد داد.در اعلامیه همچنان آمده که همه ساله به افتخارایام عیدوزارت مالیه کوشش مینمود که معاشات مامورین قبل از ایام خجسته عید پرداخته شود تا هموطنان ما این روزهای مبارک را در بهترین شرایط سپری نمایند.اما درشرایط دشوارچند ماه اخیرمصارف بودجه عادی که ازجمع آوری عواید داخلی صورت میگیرد و درنیمه ماه شمسی به خزانه دولت واردمیشود، متاسفانه دراثرپسمانی درجمع آوری عواید که درطول یکسال گذشته بوقوع پیوسته ، خزانه دولت به اندازه کافی ذخیره ندارد که معاشات ماه میزان۱۳۹۳ که ایام مبارک عید، مصارف به دهه اول آن میشودقبل از۱۵ماه جاری پرداخت شود.

مامورین دولت معاش میزان را مانند ماه های دیگردرنیمه دوم ماه به شکل کامل دریافت خواهند کرد.

سیرابی صدهاجریب زمین باساخت کانال آبیاری

۲۸سپتمبر/زرنج ـ باختر: کار اعماریک کانال آب آشامیدنی وزراعتی در ولایت نیمروز آغازشد. رئیس تنظیم آب نیمروزگفت کاراین پروژه از سوی وزارت انرژی وآب رویدست گرفته شده وبیش از۱۴۲ ملیون افغانی خرج برمیدارد. بااعمار این کانال در قریه ابراهیم آباد ولسوالی لنگ صدها هکتار زمین زراعتی آبیاری میگردد وهمچنان بیش از دو هزار خانواده ازآب صحی آشامیدنی مستفید میشوند. کاراین پروژه مدت دو سال را در برخواهد گرفت.

افغانستان یک ملیون کاربر فیسبوک دارد

اول اکتوبر/کابل ـ صدای امریکا: وزارت مخابرات در ۲۵ولایت افغانستان شش ملیون نفر به انترنت دسترسی دارد.فعالان جامعه مدنی میگویند درپی گسترش استفاده از رسانه های اجتماعی مانند فیسبوک، انستاگرام و توییتر بوده و تلاش دارند برنامه های آموزشی طرز استفاده از این رسانه ها را نیز راه اندازی کنند.بلند بردن سطح آگاهی مردم از وضعیت کشور با استفاده از رسانه های اجتماعی، ازاهداف دیگرآنانست وبهمین منظورکنفرانس دوروزه باشرکت ۶۰افعال مدنی ۳۴ولایت در کابل دایر شده است. هم اکنون حدودیک ملیون نفر از رسانه های اجتماعی مانند فیس بوک استفاده می کنند.

این برنامه به همکاری ادارهٔ ایالات متحده برای انکشاف بین المللی یا USAID و ایمپشن افغانستان که اولین نهاد رسانه های دیجیتالی در افغانستان است، راه اندزی شد.

امید را برای دوستان تان اشتراک کنید. مطمئن باشید ازشما ممنون می شوند .

یکدانه انار سبزک درفراه تا ۱/۵ کیلو وزن دارد

۲۵سپتمبر/کابل ـ باختر: اناریکی ازمحصولات عمدهٔ ولایت فراه میباشد و دراین ولایت چهارنوع انار علاقمندان بیشتر دارد.مسئول کوپراتیف باغداران فراه که محصولات شانرا درچهاردهمین نمایشگاه محصولات زراعتی دربادام باغ کابل به نمایش گذاشته گفت فراه اقلیم مساعد برای رشد میوه انار دارد .

کارمندان ریاست ترویج زراعتی این ولایت به رشد بهترچهارنوع انارشامل بلوچ خانی ، سبزک، فخری و قندهاری ولایت توجه کرده وبه این سبب باغ داران رارهنمایی میکنند. نظربه آخرین آماربدست آمده درولایت فراه حدود دوهزار ودوصدهکتارزمین زراعتی راباغهای انار تشکیل میدهد که حد اوسط حاصل هرهکتارزمین اضافه ازچهارده تن انار میباشد که درمجموع دراین ولایت اضافه از ۳۰هزار و ۲۴۰ تن انار درسال بدست می آید. او انار سبزک ولایت فراه را دیررس خواندگفت: اواسط برج عقرب حاصل درختان انار سبزک جمع آوری میشوند که وزن یکدانه آن تا حدود یک اعشاریه پنج کیلو گرام وزن دارد وقابل انتقال به فاصله های دور می باشد .

نمازگزاران :ازخداوند صلح وپیشرفت میخواهیم

۴اکتوبر/مزارشریف ـ باختر:ملیونها شهروندرسراسر کشوردر نمازعید شرکت کردند وسپس عید قربان را آغازنمودند. آنان می گویندبرای پایان کشتار و جنگ و پیشرفت کشور دعا کردند.ملا امامان هنگام نمازعید مردم را به همزیستی و همکاری با دولت برای تامین امنیت افغانستان تشویق کردند و برای سرزمین ماازخداوندآرامش وپیشرفت آرزو کردند . مردم امسال عیدقربان رامتفاوت تر ازدیگرسالهااستقبال کردند.آنان باپایان بحران انتخابات وبازشدن روزنه امید در دلهای شان برای رفتن بسوی آرامی وپیشرفت اکنون بیشتر از هر زمان دیگری خرسندند وبه آینده خوشبین اند. فرهاد معلم درشهرمزارشریف میگویدامروز از اعماق قلبش برای آرامی و پیشرفت مردمش دعاکرده است.او ازدولت خواست درزمینه تامین امنیت و پایان فقر وبیچارگی مردم تلاش کند.

هزارهانیروی پلیس، اردو و امنیت ملی درشاهرا ها ودیگر راهها و محل های پررفت وآمد درسرتاسر کشور مستقرشده اند تا مردم بتوانند با خوشی و آرامش عید قربان را تجلیل کنند.مسئولان امنیتی میگویندبا برنامه امنیتی ایکه آنان دارند، طالبان ودیگرگروههای تروریستی توانایی ندارندتاخوشی مردم را در روزهای عید بگیرند .

در۵۲ عملیات ۱۰۰ طالب کشته شدند

۱۷اکتوبر/کابل ـ باختر: سخنگوی وزارت داخله گفت درهفته گذشته۵۲ عملیات درنقاط مختلف کشور راه اندازی شد که درنتیجه صد تروریست کشته، ۷۳تن شان زخمی و ۳۰ نفرآنهاگرفتارشدند.به گفته صدیقی درعملیات خاص پلیس که درولایت بغلان انجام شد، هشت مخالف مسلح همراه بایک قوماندان رده اول شان بنام اسلام گرفتارشدند، درولسوالی برمل ولایت پکتیکا ده طالب مسلح کشته شدند. به تاریخ ۸میزان ۱۵۴ راکت ازسوی پاکستان برچند ولسوالی کنراصابت کرد که وزارت امور داخله این حرکت نظامیان پاکستان را به الفاظ شدید محکوم می نماید .

درهمین حال جنرال محمدظاهر ظاهرقوماندان امنیه کابل گفت درایام عید ۱۲گروه دزدان مسلح گرفتار شدند، امابعدازاعلام نتایج انتخابات، میزان جرایم کاهش قابل ملاحظهٔ یافت. بجنرال ظاهربه ادامه گفت دوتن ازعاملان قضیه کابلبانک راگرفتارنموده وتلاشهاجریان داردتا۱۷نفردیگرآنهانیزبازداشت شوند.

رفع منع سفر روزنبرگ به افغانستان

۲۷ سپتمبر/کابل ـ صدای امریکا: دادستانی کل افغانستان ممنوعیت سفر ماتیو روزنبرگ خبرنگارنیویارک تایمز، به افغانستان را رفع کرد. ماتیو روزنبرگ در مقاله ای که در ماه اگست امسال در نیویارک تایمز به چاپ رسید، نوشته بودشماری از مقام‌های ارشد دولتی برای شکستن بن‌بست انتخابات ریاست جمهور، مشغول گفت‌وگودرموردایجاد دولت موقت هستند. داد ستانی کل افغانستان، این مقاله را تفرقه انگیز و تهدیدی برای امنیت ملی و ثبات افغانستان خواند.

مقاله چاپ شده آقای روزنبرگ خشم دولت کرزی را (دنباله درستون سوم)

چین و هند در افغانستان به هم نزدیک میشوند

۱۷اکتوبر/دهلی جدید ـ باختر: مجله جاپانی دیپلمات نوشت دهلی نو و بیجینگ در افغانستان منافع مشترک دارند وهمین امرباعث نزدیک شدن دوکشورو همکاریهای سیاسی وامنیتی آنها درافغانستان میشود.دیپلمات نوشت چین وهند نخستین گفت وگوهای دوجانبه درباره افغانستان را در ماه اپریل امسال برگزار کردند. این دو کشور آخرین بار در جریان دیدار هفته پیش رئیس جمهوری چین از دهلی جدید، توافق کردند که گفت و گوهای استراتیژیک پیرامون صلح، ثبات و شگوفایی درافغانستان را افزایش دهند. بیجینگ و دهلی صلح، ثبات و شگوفایی افغانستان را منافع مشترک خود نامیدند. دیپلمات با اشاره به تنشهای تاریخی درروابط هند وچین نوشت هردواینک ازاحتمال گسترش تروریسم درافغانستان، به ویژه اگر باعث فروپاشی آن سرزمین شود، احساس خطرمیکنند. هندتقریباً از آغاز، مخالف حکومت طالبان بود وبمبگذاری ماه جوزای گذشته در قنسولگری هند درهرات که برخی آنرابه گروه لشکر طیبه نسبت میدهند، نشان دادخطرتروریسم برای دهلی جدید همچنان زنده است. اگرچه چین به اندازه هندنگران بی ثباتی درافغانستان نیست، امااین واقعیت را میداند که گسترش اندیشه های تروریستی از افغانستان به آسیای مرکزی، میتواند درنهایت باعث اتحادتروریستها وشورشیان در ولایت سین کیانگ چین شود. افزون برین، افغانستان درمحاسبه های اقتصادی هند وچین جایگاه ویژه دارد. در استراتیژی احیای جاده ابریشم، افغانستان نقش پیونددهنده مسیر بازرگانی چین به آسیای مرکزی و در نهایت، اروپا را بازی خواهد کرد. در استراتیژی هندوستان نیز افغانستان بخشی از مسیر ارتباط بازرگانی با آسیای مرکزی است.

شرکتهای دولتی چین و هند، بزرگترین سرمایه گذاران خارجی درافغانستان نیز هستند. یک شرکت چینی، قرارداد ۳۰ ساله به ارزش سه میلیارد دالر برای بهره برداری ازمعدن مس عینک رابا کابل امضاکرده وشرکت نفتی CNPCهم می کوشد قراردادی را بایک کارگزار محلی درآمودریا تنظیم کند. یک کنسر سیوم فولادهندنیز سهام چند میلیاردی در معدن سنگ آهن ولایت بامیان دارد.

دیپلمات با اشاره به تلاشهای دهلی جدید در افغانستان نوشت: هندیها پذیرفته اند که هزینه خرید سلاحهای روسی توسط کابل را بپردازند. دهلی ممکن است سیاست حضور در تاجیکستان را نیز احیا کند. این سیاست در زمان تجهیز جبهه شمال علیه طالبان کاربرد داشت. هند با روسیه برای بازسازی یک کارخانه اسلحه سازی دوران شوروی سابق درحومه کابل همکاری میکند وبالاخره، هندیها در خاک خود، برنامه های آموزش افسران افغان را اجرا میکنند. با این حال، به نوشته این نشریه جاپانی، تنشهای مرزی میان هند و چین، سیاست پرهیزازمداخله چینیهاونقش قدرتهای منطقه، ازجمله روابط بسیارمتفاوت هند و چین با پاکستان، از جمله موانع پیشرفت در همکاری دهلی و بیجینک در افغانستان است.

دیپلمات نوشت: هند و چین در بسیاری از مسایل با یکدیگر اختلاف دارند، اما منافع منطقه ای مشترک میان این دو کشور نیز در حال گسترش است. اینکه دو کشور با وجود اختلافهای ریشه دار، به همکاری با یکدیگر ارزش می دهند، تحسین برانگیز و شایسته پشتیبانی است. در نهایت، باید توجه داشت که راه حل مسایل افغانستان، باید از درون این کشور آغاز شود.

هفت طالب مسلح در نورستان کشته شدند

اول اکتوبر/کنر ـ باختر: هفت طالب مسلح درجریان تازه ترین درگیریهادر ولایت نورستان کشته شدند. این درگیری بامداد در نوار دیورند هنگامی رخ داد که گروهی ازطالبان مسلح بالای یک قرارگاه پلیس مرزی حمله کردند.یک قوماندان پلیس سرحدی افغانستان گفت مهاجمان ازآن سوی نوار دیورند قرار گاه سربازان را آماج قراردادند.نورستان باداشتن ۳۲۰کیلومترمرزبانوار دیورند همواره گواه حضوروفعالیت گروههای تروریستی ازجمله طالبان بوده است.

ناتو بازبه افغانستان قوای محاربوی اعزام میکند

۳۰ سپتمبر/بروکسل ـ دویچه وله، باختر: قرارست حدود۱۲ هزار سرباز در ماموریت جدید ناتو درافغانستان بخشی ازنیروهای امنیتی و کارمندان وزارتخانه هاراآموزش دهند. این مطلب هانس لوتر دو مروزه، جنرال ناتو که مسئول ساختاراین ماموریت جدیدازسال ۲۰۱۵ به بعد میباشد، به روزنامه آلمانی دی ویلت گفت تنهاحدود ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰ فردبعنوان مشاور ومربی اجرای وظیفه خواهند کرد. بخاطر مصونیت سربازان ناتوقطعات جنگی بشمول هلیکوپترهای جنگی نیزدرین ماموریت وجودخواهندداشت. بخش بزرگ سربازان ماموریت حمایت قاطع به کارهای تدارکاتی وخدمات صحی به خودشان مصروف خواهندشد. آلمان نیز باحدود ۸۰۰ سربازدرین ماموریت سهم میگیرد. البته پیش شرط این ماموریت امضای موافقتنامه امنیتی میان کابل و واشنگتن است که احتمال می رود امروز در کابل امضا شود .

(دنباله ازستون دوم همین صفحه)

برافروخت و سپس دفتردادستانی کل، ماتیو راممنوع الخروج اعلام کرد.سپس بعد ازانجام تحقیقاتی، دستورخروج هرچه سریعتراو ازکابل داده شدو دولت اورامنوع الورود اعلام کرد.

حالا دولت وحدت ملی، با رویکرد متفاوت از دولت پیشین، بعد از نزدیک به دو ماه محدودیت سفر آقای ماتیو روزنبرگ به افغانستان را رفع کرده است.